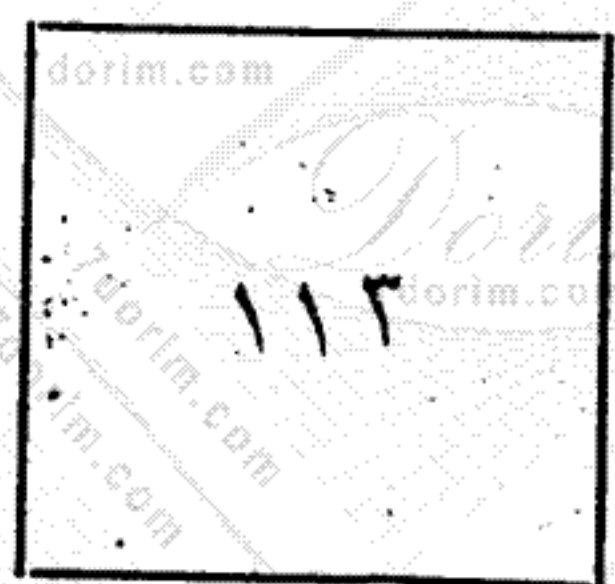




برنده جایزه قسمت دوم
این کتاب دارنده شماره
۱۷۵۶
می باشد که با ارائه قسمت
دوم این کتاب مبلغ یکصد
ریال نقداً پرداخت می شود.

«یکصد ریال جایزه»

برای هر قسمت از این
کتاب که منتشر میشود یکصد
ریال جایزه تخصیص داده
شده است بدین طریق که هر
قسمت این کتاب دارای نمره
ای خواهد بود و بین نمرات
قرعه کشی خواهد شد پس این
صناعات را نگهدارید و بخت
خود را بیازماید باید یکصد
ریال نصیب شما گردد.



برنده این قسمت در
شماره ششم اعلام میشود

ایسرانلهای شهر ستانها

اگر میخواهید قسمتهای این کتاب را مرتباً دریافت دارید
تقاضای خود را باضافه وجه برای هر چند قسمت که میخواهید
به نشانی: تهران خیابان پهلوی سواره شاه بنگاه کیتی ویانهران
صندوق پستی شماره ۱۷۶ - بنگاه نشریات عم حی ارسال دارید.

بنگاه نشریات «عم حی»

مقادیر زیادی کتب درسی عبری وارد نموده است و بقیهت :
یسودوت کامل هر جلد ۳۲ ریال
«عله» جلد اول < ۴۲ <
«عله» دوم < ۴۵ <

در دسترس علاقمندان میگردد

خواهشمند است از تهران و شهرستانها وجوه را به نشانی
تهران - بنگاه نشریات عم حی صندوق پستی شماره ۱۷۶
ارسال دارید تا هر چند جلد که خواسته باشید فوراً فرستاده شود.

موزع لازم است

برای بخش و توزیع کتاب عالم یهود بین یهودیان ساکن
پایتخت ۱۰ نفر موزع یهودی لازم است داوطلبین میتوانند
چاپخانه بوستانی واقع در چهار راه یوسف آباد مراجعه نمایند.



**(آقای سیمان هارون
اف : نگارنده کتاب)
سرگردان یا زن
بیگنا**

گناهی نکردم ز بهر چه من
گرفتار بهتان خوبان شدم
ز بهر چه من در بدر خون جگر
زدست نکویان بریشان شدم

از خواندن این

کتاب شیرین و مبهج که بردهای از حقایق زندگانی
موجود می گناهی است غفلت نکنید .



**یک پسر نويس
و هنر پيشه با ذوق**

آقای مهدی هاداشیان از جوانان
حساس و نویسنده پيسهای > حاجی
بونو گير > و > پسر نافرمان یا
عروس قلابی > که در هنگام نمایش
آنها در دبستان کورش و دبیرستان
اتحاد رول اول را برعهده داشته است

تا بحال بوسیله نمایش و نواختن موسیقی > قره نبي > کدک
های ریادی به تشکیلات جوانان نموده اند .

نامه رسیده

آقای اهرن حییم کهن در طی شرح مبسوطی که
بمانوشته اند ضمن اظهار خوشوقتی از انتشار عالم یهود که نظر
ایشان بوسیله آن > از جریانات امور اجتماعی برادران خود
مطلع و باخوشی و محبت آنها شریک و سهیم میشویم > ا ف
نموده اند که > بدینوسیله روح ژمرده ما بیدار و از این خودگی
رهائی خواهیم یافت زیرا که ما در محلهای متفرقه و از یکدیگر
دور هستیم و اگر شادیم از مصیبت دیگران بی خبر و اگر در عذاب
و شکنجه بسر میبریم دیگران از احوال ما بی اطلاعند . . . علت
تاخیر نجات ما هم همین است و بس اگر از حال یکدیگر
باخبر باشیم بعید نیست که حسن نوع پرستی مانچریک و بفکر
چاره جوئی بر آئیم .
آقای کهن در خانه آمادگی خود را برای هر نوع کدک
ملی آگهی واضافه نموده اند که > چون در این محل دور افتاده
کسی نیست که رهبر جماعتی که در این شهر مسکن دارد بشود
لذا وظیفه خود دانستم که احساسات جماعت اسرائیل را بسم
برادران خود برسانم >

شرکت سهامی چاپ-تهران

اشخاص نیست. بلکه در راه جامعه بایستی بدون انتظار اجر و مزد خدمتگزاری کرد.

دوم نیدانند مرتب و منظم بودن وضع اقتصادی بهترین وسیله بایستادگی و پیشرفت آنهاست (بشرط عدم توقعات خصوصی) چون تاکنون کلیه اجتماعات و تشکیلات ملت اسرائیل ایران با عدم موفقیت و نیمه عمری روبرو شده اند، نظریه خود را در باره طرز تشکیل صندوق ملی پیشنهاد میکنیم. امیدواریم کلیه مسئولین انجمنها و سازمانها که خود را خدمتگزار ملت اسرائیل قلم میدهند و مدعی اصلاح و ترمیم بیکر متلاشی اجتماعی این ملت چشم و گوش بسته و از همه جا بی خبر هستند بپذیرند و عملاً ثابت کنند که فی الواقع دلسوز جامعه خود هستند.

همه روزه مشاهده میشود که عدهای با بطور انفرادی یا دسته جمعی بدرب مغازه ها و تجارتخانه ها و گاهی منازل مراجعه نموده و تقاضای دریافت وجوهی میکنند بعنوان کمک بفلان بیوا یا کمک بفلان امرخبر یا تاسیس فلان کانون خیریه یا بنای فلان بیمارستان و سالون و یادادن فلان نمایش البت این قبیل اقدامات بجای خود قابل تقدیر است ولی چون تحت نظرم کنترل صحیحی صورت نمیگیرد اغلب با مورد اعتراض عمومی قرار میگیرند و یاد عمل و نیات خود با عدم موفقیت روبرو میشوند که در نتیجه عموم ملت از شرکت بعدی در امور خیریه و ملی خودداری خواهند نمود. این قبیل اقدامات در راه خدمات اجتماعی که هر کس مانند عملیات ملوک الطوائفی خود سرانه دست کاری میزند مانند کوه های پاره است که از دامن آن از قاطب مختلفه چشمه هایی در میسر جاری شده بدون مصرف معین و مفیدی در محل دیگری فرو میروند یا راه و جاده عبور و مرور را لجن زار میکنند ولی اگر زارع بافت شود مسیر مشترکی برای کایه چشمه ها حفر کند و همه را در یک بستر بچکان اندازد تشکیل رودخانه یا جوی بزرگی داده میشود که میتوان از آن آسیابها بگردش در آورد و زمینهای وسیعی را مشروب نمود.

در پیرو این مثال به قوم افراد خیر خواه ملت اسرائیل مخصوصاً بانچه های محترم پیشنهاد میکنیم که کوشش کنند کلیه هایدات مستقیم و غیر مستقیم ملی را که از راههای مختلف بدست میآورند در یک محل در تحت سرپرستی عدهای کاردان و صحیح العمل و در تحت یک محاسبان دقیقی با مراعات نظم و ترتیب صحیح تمرکز دهند که هم کلیه افراد ملت اطمینان حاصل کنند که وجوه پرداختیشان بقصد معینی رسیده است و هم کلیه عزیزان و مصارف لارمه ملی را با تعیین بودجه میتوان از آن مبداء دریافت نمود.

و اما تشکیل صندوق ملی: این موضوع در مرحله اول بستگی تام بطرز تشکیل انجمن مرکزی ملی دارد که از هر حیث

از آنروزی که بشر با مرحله تمدن نهاد و خود را نیازمند تشکیلات و نظم دید تاکنون که میگویند جامعه بعد اعلای ترقی رسیده است با وجود تحولات حیرت انگیز اجتماعی و سیاسی يك موضوع مشترك همیشه بیش از مطالب دیگر و یا قبل از امور دیگر مورد دقت بوده است و آن موضوع مالی است اگر بکلیه سازمانهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و جنگی و علمی و ملی و غیره دقیق شویم گو اینک منظور و مقصود امر دیگری است. اولین حلقه در باره امور مالی هر سازمانی گفتگو شده و میشود بعد در باره اصل مقصد. موضوع مالی که با اصطلاح رشته ای از اقتصاد است از قرنهای پیش باندازه ای دانشمندان و متفکرین را بخود مشغول داشته است که پس از قرنهای از چند سال قبل تا اندازه ای بی برده اند که یکی از عوامل مهم و مؤثر تحولات عجیب و سریع اجتماعی و سیاسی موضوع مالی است.

جریان تاریخ خود بهترین شاهدی است که تغییرات کلی ممالک، ترقی و تنزل ملل بیشتر روی پایه اقتصادیات آنها بوده است که خود تابع شرایط دیگری است. بنابراین موضوع مالی در تحولات دنیای بشری دل مهم و بزرگی را عهده دار است که ما از نقطه نظر اهمیت آن ناچاریم در تعقیب چند مقاله پیش (عالم یهود) در باره امور مالی تحت عنوان صندوق ملی بیشتر بحث کنیم.

بمطابق بیروی قانون ثابت تشکیلات در اجتماع، جامعه اسرائیل ایران نیز محتاج سازمان یا سازمانهایی است که آنرا از این وضع شرم آور فعلی خارج کرده و اقلاً در ردیف ملل نیمه متقدم در آورد (اگر چه باید همسر هترقی ترین و بزرگترین ملل دنیا باشیم) چون مقدمه هر تشکیلاتی موضوع مالی آنست لذا ناچاریم پیشنهادات خود را در باره تشکیلات اول از صندوق ملی شروع کنیم.

تاکنون از گوشه و کنار و در هر روز و هر موقعی بانگ هائی شنیده ایم که فلان دسته برای فلان اقدام در فلان محل مانند گلپای خود رو پیدا شده است. چند روزی هیاهو و سروصدائی از خود راه انداخته و برناه بر رنگ و روغنی برخ مردم کشیده و چند صباحی با نطقهای آتشین اندام مردم را بلرزده آورده و بکپرو به بندی راه میاندازند. ولی پس از مدتی مردم از یکدیگر میپرسند فلان سازمان با آن همه هاروت و پورت کو؟ «چه عرض کنیم... می بینیم این مادر داغ-ار جامعه ماهه روز از این قبیل نوزادها میزاید. هنوز شکمی سیر او را شیر نداده است بخاکش میسپارد. علت چیست؟ دو موضوع اساسی را فراموش کرده اند. اول اینکه «میکند حمام نیست سرزده داخل مشو» نام و عنوان اجتماع و خدمت در راه ملت وسیله شهرت و خود نمائی

نشانی: خیابان چرچیل کوچه کل کار شماره ۷

بها ۷ ریال



گردآورنده: مهندس بوستانی حبیب الله لاری

قسمت ۵

((اولین مرد انقلابی تاریخ))

شامراء ترقیات و اکتشافات و عظمت نوع بشر را ایجاد نمود. مبارزه شدید بر علیه قارون جاه طلب که میخواست تکمیل تول خود مقام رهبری ملتی را غصب نماید و نابود کردن قارون و ثروت و دارائی او سخنرین ضربتی بود بر بیکر آنها بیکه تمول را دلیل برتری و بزرگی میدانستند حضرت موسی باین قیام رشیدانه بر علیه جاه طلبی و ثروت دوستی اعلام ثابت و جاویدی بدنیا بخش کرد که هیچگاه تمول و دارائی مادی و شخصیت و شرافت و عظمت و بزرگی کسی را تضمین نمیکند بلکه استعداد و لیاقت و تحمل زحمت و رنج در راه مقصدی ایمان بخداوند متعال دلیل برتری و بزرگی اشخاص است. این نایب قوی در نهایت قدرت و عظمت فروتن و متواضع ترین افراد بود و بارها فنا و نابودی خود در راه آزادی و ترقی ملت یهود از خداوند متعال خواست شد. حضرت موسی از سه هزار سال پیش در نتیجه نوکل به آفریدگار یکتا و فداکاری و رشادت و ایجاد انقلاب آزادیخواهی که دنیا آن هنوز در دنیا ادامه دارد ملت یهود را تشکیل داد. با وجود هزاران حوادث مختلف و تحولات شدید تاریخی این ملت بایستاد و در جهان ثابت است. پس این ملت نایب که رشید ترین اولاد خود را دسته دسته در راه آزادی بشر قربانی میکند نخواهد مرد. تا اینکه در راه حفظ مراسم و عقاید خود وجود عزیزترین فرزنداناش سیل خون جاری میکند نخواهد مرد این ملت تا اینکه یگانه مرد مبارز رشید تاریخی و انقلابی را مانند حضرت موسی (ع) پیشوای خود میداند و سلطنت و متاب اخلاقی خود انتقار می کند نخواهد مرد. و هنوز هم حاضران با تحمل شدیدترین مصائب روزگار و با تحمل سخت ترین حمله و توهینات باز با کمترین فرصتی دوش بدوش برادران هم نژاد خود برای تمدن عالم بشری بکوشد و شاید هم در پیمودن راه آزادی و عظمت انسانی مانند سه هزار سال پیش پیشوای خود بپذیرد.

در آن عصر بیکه اولاد آدم برای مصنوعات خود فرزندان و جگر گوشه کان خویش را قربانی میکردند در آن زمان بیکه جهالت و عقاید پوچ و بت پرستی پرده سیاهی را بر جهان گسترده بود. در آنوقت بیکه يك نفر زورمند مستبد و ظالم خود را بنام خدا و خدای موجودات بر دیگران تحمیل میکرد و بشر جاهل برای رهایی از بلاهای طبیعی یا کسب سعادت متوسل بوجودات واهی و موهوم میشدند. در آنزمان بیکه سحر و جادو معارف عالم بشری خوانده میشد و جادوگران ریاکار بر انکار و عقاید دنیا حکمفرمایی میکردند. در آن روزها بیکه فرعون جبار کاخ قدرت و استبداد خود را بر اجساد بیگناهیان و مظلومین برپا کرده بود و ملت یهود در انتهای مذلت و بدبختی و در حال بردگی سختترین و بدترین خدمات مصریان قدیم و تعدیات فرعون را بر خود هموار مینمود. یگانه مرد بیکه به تنهایی بر علیه ظلم و برای نجات عالم انسانی از جهالت و گمراهی قیام نمود حضرت موسی (ع) بود. اولین کسیکه درس انقلاب در راه آزادی و قیام بر ضد استبداد و فداکاری در راه ترقی و عظمت نوع بشر بمالیمان داد حضرت موسی بود. ایجاد جنبش در بین ملت پزمرده و از زندگی بیزار یهود و با يك ایمان راسخ بخدای نادیده بدون پشتیبان و فقط بسا يك عصا که یگانه اسلحه دستی او بود. مبارزه با عقربیت خودخواهی و ظلم یعنی دستگاه فرعونی اولین نهضت آزادیخواهی بود در جهان که تا ابد بهترین نمونه و سرمشقی است برای زرك مردان تاریخی و آزادیخواهان جهان. تدوین قوانین اجتماعی اخلاقی ادبی علمی جنگی سیاسی مذهبی. هدایت يك ملت سرگردان براه راست و تعلیم يك گروه عظیم گمراه اولین پایه محکم تمدن بشری را بنا نهاد. برچیدن بساط بت پرستی نابود کردن عقاید موهوم و رهبری دنیائی در راه توحید و خدا پرستی.

موضوع زناشوئی بین جوانان ایسرائل

فواید زناشوئی - زناشوئی صحیح - راه تکثیر و تشویق آن

اغلب بیکاران، جنایتکاران، دزدان، دیوانگان، ولگردان خیابانها و کافه ها، اشخاص بیعلاقه بادامه زندگی و انتحار کنندگان از دسته افراد مجرد و غیر متاهل میباشند زیرا شخص متاهل چنانچه هنگام ارتکاب عمل زشت و بیکاری یا خودکشی در فکر خویشتن نباشد اقلاً بر فریضه پدری که عهده دار تربیت و نگاهداری فرزندان میباشد برای تامین معاش آنها مشغول کار و کسب شده و هر لحظه که بفکر زن و فرزند میافتد علاقه مخصوصی بکار کردن و ادامه زندگی شرافتمندانه در خود احساس مینماید.

زناشوئی صحیح - قبل از انتخاب همسر بایستی رعایت کامل نکات زیر را نمود تا بتوان خانواده خوشبخت و سالم تشکیل داد:

۱- جداً از ازدواج با پسر یا دختر همخون (یعنی خویش از طرف پدر یا مادر) که امروزه مضرات آن کاملاً ثابت شده خودداری نمود.

۲- سن دختر تقریباً ۴ سال کمتر از پسر باشد.

۳- قبل از ازدواج باید پسر و دختر از حیث سلامت مزاج، قابلیت تولید نسل، عدم ابتلاء به بیماریهای واگیردار و مقاربتی (سوزاک و سیفلیس) معاینه کامل شود.

۴- در موقع ازدواج باید نجات خانوادگی، ایالت تشکیل خانواده و نگاهداری آن، حسن اخلاق دختر و پسر مورد نظر باشد نه مال و ثروت پدری او.

۵- جداً از زناشوئی با خارج از مذهب که یکنوع اختلاف عقیده تولید خواهد کرد خودداری شود.

راه تکثیر و تشویق زناشوئی - در درجه اول بوسیله نشر مقالات و سخنرانی مضرات عدم زناشوئی و عواقب وخیم بیماریهای آمیزشی (سوزاک و سیفلیس) شرح داده شود و در درجه دوم باتذکر فواید زناشوئی و لزوم اطاعت امر الهی یعنی ازدواج در سنین بلوغ باید در راه تکثیر و تشویق زناشوئی بین جوانان کوشید.

بالاخره پدران و مادران موظفند موانع زناشوئی مانند توقع مهریه زیاد و تحمل مخارج هنگفت ازدواج و موضوع چشمداشت بر ثروت شخصی یا پدری پسر یا دختر را بر طرف نمایند و تنها سازگار بودن زن و شوهر و سعادت آینده آنان را مد نظر قرار دهند جوانان هم باید تا اندازه در انتخاب همسر آزاد بوده و ضمناً در چنین مواقعی از تجارب و نصایح اولیاء استفاده نموده و بامشورت آنان تصمیم قطعی راجع به همسر زندگی خود بگیرند. دکتر ناصر اخترزاد

زناشوئی مانند کلیه اعمال طبیعی بدن لازمه حیات هر فرد جوان است از روز اول خداوند متعال این غریزه حیوانی را جهت تکثیر و تولید نسل در نهاد بشر آفریده است و بنا بر قوانین مذهبی و اجتماعی ازدواج در سن جوانی را از وظیفه حتمی ما قرار داده بطوریکه در صورت خودداری از زناشوئی در سنین بلوغ شخص بر اثر تحریکات تناسلی مجبور باطفااء شهوت از راه غیر شرعی و واضحتراً بگویم بر اثر وسوسه شیطانی معاشر و نهی هرچائی که کلکسیون سوزاک و سیفلیس میباشد میگردد این قسم معاشرت هم نتیجه ای جز ابتلا به بیماریهای آمیزشی و یک عمر گرفتاری و ندامت و گاهی محرومیت از تولید نسل نتیجه ای ندارد.

هر ملتی که آرزو مند ترقی و پیشرفت است باید دارای افراد سالم باشد و این قسم افراد جز از پدر و مادر سالم بوجود نخواهد آمد، از پدر و مادر سیفلیسی انتظار اولاد تندرست و لایق و خدمتگذار جامعه نمیتوان داشت تنها ازدواج است که جوانان را از دچار شدن باین امراض برکنار مینماید.

ماورقی نسبت به بزرگان و مسئولین ملت بانظر خوشبینی خواهیم نگریست و توجه ملت را بآنها جلب خواهیم نمود که از نظرهای خصوصی دست کشیده و برای نجات ملت ایسرائل ایران از یک برنگاه انحطاط اخلاقی و تنزل اجتماعی به تشکیلات منظم و مفیدی دست زنند و بانهایت جدیت برای عملی نمودن این مقصود مجاهدت نمایند و از «بن چاه» گتتن دوری کنند. وقتی به اقدامات خیرخواهانه آنها تکیه خود را دلسوز جامعه جلوه میدهند اطمینان خواهیم داشت که کارها و تشکیلاتشان جنبه عمومی داشته و نتایج مفیده آن شامل حال کلیه افراد جامعه ایسرائل ایران باشد نه مانند رژیم ملوک الطوائفی هر کس از گوشای آهنگی نامناسب برپا کند و بعد روزی بدون نتیجه بکنار رود.

مهمترین و لازمترین اقدامیکه امروز بیش از هر موضوعی مورد نیاز عمومی است انتخاب انجمن مرکزی و تأسیس صندوق ملی است هر عملی قبل از این و تشکیل هر انجمنی پیش از انجمن مرکزی و صندوق ملی بیهوده و شاهد شهرت طلبی و جاه طلبی مؤسسين آن خواهد بود.

بدینوسیله نظر کلیه افراد ایسرائل را باین نکته مهم جلب مینمائیم که قبل از تأسیس صندوق ملی مرکزی شرکت در هر انجمن و تشکیل هر مؤسسه ملی جز برای خودنمایی و ریاست بردیکران و جلب منافع خصوصی امر دیگری نیست و ذره ای برای جامعه عقب افتاده ایسرائل مفید نخواهد بود.

ب- هر نماینده و رئیس صنفی مسئول جمع آوری وجوهی است از افراد صنف خود، که انجمن مرکزی او را موظف می نماید.

ج- انجمن مرکزی تامین بودجه ملی را بایستی از نمایندگان اصناف خواستار باشد و در موقع لزوم طبق برنامه تنظیمی قبلی که میزان وجوهی را که هر یک از اصناف می توانند بپردازند تعیین نموده است. یا بطور مامیانه یا در مواقع اعیاد از نمایندگان اصناف مطالبه و دریافت نماید.

د- طرز دریافت و پرداخت وجه تابع مقررات صدور قبض رسید و حواله صندوق طبق مواد پیشنهاد ۱-۱-۱- می باشد. پیشنهاد ۳- برای سهولت انجمنهای مختلفه پس از دو پیشنهاد فوق از طریق تأسیس انجمنهای محلی نیز میتوان حیرا و صندوق ملی را با شرایط زیر بوجود آورد.

۱- در نقاط مختلفه ایسرائل نشین شهر انجمنهایی تشکیل داده شود که مرکب از عده ای از مردان فعال و کاردات و درست کردار محل باشند.

ب- از انجمن هر محلی یک نفر بسمت نماینده برای تأسیس انجمن مالی و برای تشکیل صندوق ملی انتخاب نمایند. ج- نماینده هر انجمن محلی موظف است کلیه عایدات مستقیم و غیر مستقیم که از محل نمایندگی خود بدست می آورد به صندوق ملی مرکزی بپردازد.

د- احتیاجاتیکه هر محلی دارد از قبیل ایجاد کنسرا یا تأسیس کود کستان یا نقاقت خانه و هزینه های لازمه دیگر و غیره با تنظیم صورت و تقدیم آن بانجمن مرکزی میتوانند بکمک صندوق ملی رفع کنند.

ه- دریافت و پرداخت هر وجهی موجب توضیحات قبلی در پیشنهادات اول و دوم تابع مقررات صدور حواله صندوق و رسید صندوق است.

بدیهی است که پیشنهادات فوق برای آشنا نمودن ذهن عامه فعلاً بطور اختصار گوشزد شد ولی هر یک از این پیش نهادات مستلزم توضیحات بیشتر و پا بمرحله عمل نهادن آن خود نیازمند مقدماتی است که ابتدای آن تنظیم برنامه و نظامنامه است.

همانطور که قبلاً یاد آور شدیم تأسیس صندوق ملی بستگی تامی با طرز تشکیل انجمن مرکزی دارد. بر متصدیان امر و بزرگان ملت و منتقدین فرض است که با وسایل ممکن ملت را با هیئت انتخابات آشنا نموده که در هر دو سال یکبار عده افراد ملت در انتخاب انجمن مرکزی شرکت نمایند و انجمنی را روی کار آورند که حتی المقدور منتخب اکثریت ملت بوده و جای اعتراض کمتر کسی باشد، که کاملاً برخلاف سابق و وضع فعلی از کلیه افراد ملت پشتیبانی شود. به تجربه رسیده است که تشکیلات صحیح و منظم سبب پیشرفت هر مرام و هر مقصودی بوده است.

بایستی واجد شرایط معینی باشد (که در موقع راجع بتشکیلات گفتگو خواهد شد) که بتواند با وسایل لازمه قدرت اداره کلیه امور ملت را در تحت برنامه مفید و قابل اجرایی دارا باشد. نظریه خود را بچند شکل پیشنهاد مینمائیم.

پیشنهاد ۱- با بودن انجمن مرکزی فعلی که تا اندازه ای طرف اعتماد اکثر افراد ملت می باشد لازم است کلیه انجمنهای موجوده در شهر تهران با کمک نموده و برای تمرکز دادن کلیه عایدات ملی در یک صندوق اقدام نمایند و از این انجمن بسا ارائه نظریات و پیشنهادات خود مسئولیت بخواهند. انجمن نیز موظف است که:

الف- اوراقی در دسترس (سند دریافتی و سند پرداختی) تهیه نماید.

ب- در مقابل دریافت هر وجهی به مبلغ سند دریافتی صندوق صادر نماید.

ج- در مقابل پرداخت هر مبلغی قبض حواله صندوق یا سند هزینه صادر نماید.

د- سند دریافتی و قبوض حواله صندوق بایستی با امضاء دو نفر مسئول طرف اعتماد برسد.

ه- برای رسیدگی و کنترل امور مالی ملت دو نفر مطلع و حاضر برای خدمت بملت انتخاب نماید.

و- انجمن کلیه افرادیکه به عنوان مختلفه و بنام ملت و کمک به مستحقین پول جمع میکند و تمام انجمنها و متصدیان کنیساها را بایستی موظف کند که در مواقع معینه وجوه دریافتی خود را در مقابل قبض رسید بصندوق ملی بپردازند.

ز- انجمن بایستی بازرسانی در کلیه نقاط شهر و مجامع تعیین کند که از اشخاصیکه با سهم ملت و فقرای ملت بدون اجازه انجمن بجمع آوری پول اقدام نموده اند جلوگیری نماید.

تبصره - اگر انجمنها یا اشخاص طرف اعتماد احتیاج به مخارج فوری دارند و نمیتوانند وجوه دریافتی و عایدات خود را بصندوق بپردازند میتوانند صورت مبلغیکه بدست آورده اند بمتصدی صندوق داده و قبض حواله صندوق را امضاء نمایند که پس از رفع احتیاج هزینه و مصرف آنرا بانجمن تقدیم و در مقابل قبض رسید دریافت دارند.

پیشنهاد ۲- برای جلب اعتماد عامه لازم است که اصناف مختلف ملت ایسرائل تهران دارای تشکیلات و انجمنهای جداگانه باشند یعنی بزازه اعلیه، تجار جداگانه، خرازی فروش علیحده ... هر یک از این انجمنها رئیسی برای خود انتخاب نمایند که

همان رئیس را بنمایندگی خود برای تشکیل کمیسیون مالی انجمن ملی معرفی نمایند در واقع کمیسیون مالی انجمن تشکیل میشود از نمایندگان اصناف مختلفه جامعه ایسرائل تهران، که یکی از وظایف آن تشکیل و اداره صندوق ملی است بدین طریق:

الف- هر صنفی آمارى با تعیین درجه توانائی و بنیه مالی از کلیه افراد هم صنف خود تهیه نموده که در موقع لزوم برای دریافت وجه بوسیله مسئولین بآنها مراجعه شود.

سرالی خضوری

هدیه کننده و بنا کننده مدرسه آلیانس اسرائیلیت تهران

ترجمه و نگارش: «هاحو تصا»

مرحوم سرالی خضوری یکی از بزرگترین خدمتگزاران و دوستداران نوع بشر و ملت اسرائیل بود. با فقدان این مرد بزرگ باید گفت کسیکه دوستدار رفیق و هموعش بود از دست رفته است. او یکی از نروتنندان باروخ اسرائیل بود که غم و اندوه افراد نوع بشر روح حساسش را آزار میداد. مردی بود که بیچارگی و سختی افراد ملت یهود را میدید و باروی گشاده و دست باز کمک میکرد و از آن بالاتر با قلب مملو از همدلی بخشش مینمود. او یک احسان کننده و بخشنده بزرگ بود. افکار او - خیالات او - و چشمان نافذ و جدایش همیشه در جستجوی راه تازه ای بودند که چگونه مکتبی را که خداوند بدو داده بود در راه خدمت بنوع صرف کند. گویی خداوند این ثروت سرشار را برای برادران و هموعان بدبختش نزد او بامانت گذارده بود.

چشمان او همیشه - فقرا - محتاجان بی چارگان و درماندگان را میدید و از آنها دستگیری میکرد بدون اینکه از این کارها ذکری بکند. سرالی خضوری علاوه بر اینکه مدرسه آلیانس را در سال ۱۹۲۶ برای ترقی دادن و بیدار کردن اسرائیل ایران بخصوص تهران ایجاد نمود در سال ۱۹۳۹ نیز بیاد بود و زوجه مرحومه اش خانم لورا خضوری بنای جدیدی برای دوشیزگان نموده و در هندوستان نیز برای جامعه یهود انجام مدرسه بنا کرده است. وقتی از او درباره این خدمتش سؤال شد در جواب گفت «من اینکار را برای «بنی اسرائیل» (جامعه یهود هندی) انجام میدهم زیرا هیچکس نیست که بآنها کمک کند. آنها احتیاج زیادی بکمک من دارند»

خضوری طالب افتخار و شهرت نبود. هنگامیکه مدرسی تأسیس مینمود جداً از ثبت نام خود در آنجا ممانعت میکرد ولی هنگامیکه مدرسه هندوستان را که امروز بنام او نامیده میشود ساخت موافقت کرد که عکس او را در مدرسه بگذارند و نیز عکس او زینت بخش دفتر دبیرستان اتحاد تهران میباشد. و با وجود ممانعت او نامش برای ابد در بالای عمارت سابق دبیرستان اتحاد ثبت و در تابلویی بدو زبان در ساختمان جدید دبیرستان اتحاد منقوش است. خضوری میگفت «من چندان مایل نیستم که عکس خود را



بر روی دیوارهای این مدارس به بینم. ولی من میل دارم که پسران من - نوه های من که آنرا میبینند بگویند این شخص پدر من یا پدر بزرگ من بوده که این مدرسه را دوست میداشت و بآن کمک میکرد. پس من هم تا اندازه ای که میتوانم کمک کنم.»

هنگامیکه در بمبئی بود از او تقاضا کردند که بهمت خود مقادیری زمین برای ساختن قبرستان کمک کند. ولی او در جواب گفت: «شما از من میخواهید که درباره مرده ها فکر کنم و حال آنکه بیشتر ذهن من متوجه زنده هاست» آری او برای زنده ها فکر میکرد و برای اینکه کسی از گرسنگی و فقر نمیرد کار کرد. بجای اینکه برای مردگان مقبره بسازد زندگان را سعادتمند میکرد. این یک نظر عالی است که او داشت

بجای اینکه بقرا پول بدهد و آنها را موقتاً آرامش و راحتی بخشد بوسیله هلم و دانش فقرا ریشه کن میکرد.

سرالی خضوری دوستدار کودکان بود و بطوری بگل و چشمه و باغ علاقه داشت که بعضی ها او را «آقای گل» یا «آقای چشمه» میخواندند. قلب او از زیباییهای دنیاشادابو مایل بود که دیگران نیز شادمان و مسرور شوند.

مریضخانه هاییکه ساخته است تا در آنها اشخاص ناخوش درمان و رنج و دره مریضها تسکین داده شود. و مدارسی را که نور دانش برای کودکان میآورد و دلو بهاییکه خوشحالی و شادی ملت را تأمین میکند هما

وسایلی بودند که برای روشن نمودن دنیای تاریک برای افراد ملت و نوع خود بوجود آورده بود. خضوری در تمام دوره زندگی خود سعی میکرد که سعادت آرامش و شادمانی را برای همه تأمین کند. او اینک از دنیا رفته است ولی نور سعادت که او برای هزار ها افراد نوع خود آورد هیچگاه تمام نخواهد شد. امروز وقتی نگاه کنید می بینید که بیشتر ترقی جامعه یهود ایران وابسته بوجود مدرسه آلیانس است که او این احسان کننده بزرگ برای ما بنا نموده است و حال که او فوت نموده رشته ارتباط آلیانس اسرائیلیت قطع شده. مدرسه ما هر روز خراب تر و نا منظم تر و بدتر میشود. کسانی که از برکت وجود این مدارس به زندگانی مجلل و درخشان رسیده اند بانه که کمک کنند و بگذارند که احسان این مرد خیر و بزرگ بی حاصل بماند. خداوند روح این مرد نیکو کار و خیر خواه ملت اسرائیل را شاد و قرین آرامش نماید.

بخشش

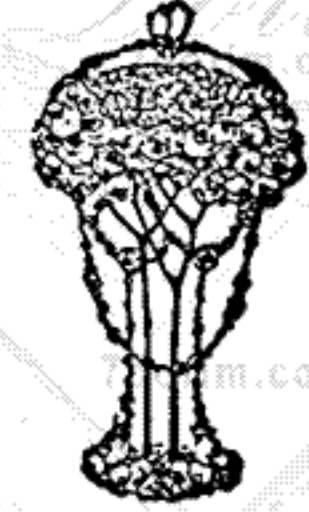
ادبیات



درمان درد ملت

عبت از درد نالمان چو بدرمانت نرسد
ای بکه از درد دل ملت خود بی خبری
لایدم از ره وجدان که نویسم بی ترس
م تعد گشتن ما تا نبود از دل پاک
یوسف نیل به مقصود بود (وحدت ما)
هان بدان تا نشود خانه فرعونى مسا
و قوت کاراست جوانان چو گنوں صاحب سر
د م فروبند که (طالع) بخدا از (همدان)

درد آن ملک بی سر که بسامان نرسد
تا نگردي خبر، این درد بدرمانت نرسد
شرح درد دل ملت چو بکتمان نرسد
بخدا دوره «کالوت» بیابان نرسد
غیر از این یوسف مقصود بکتمان نرسد
«دوره معجزه موسی عمران نرسد»
گشته ای «وزنه ترقی جوانان نرسد»
بپتر آمنت که این جامه به (تهران) نرسد
همدان خرداد ماه ۱۳۴۴



او

آفتاب غروب کرده بود، هیولای تیره و تار شب بال و پر
گشوده، سکوت وحشت زائی صحرارا فرا گرفته، مرگک بینوا
نیز باشیانه خود پناه برده بود.
اما او!

او که همه را بند میداد، او که جراحات قلب آوارگان
را با نویدهای مسرت بخشی التیام می بخشید، او که اندرز
بردباری بهمه میداد هنوز آنجا نشسته بود و گریه میکرد.

خدای من! دیگر او چرا!
مگر چه شده است چرا الهه صبر گریه میکند حقیقت دارد
و یا من اشتباه میکنم؟
خیر خیر همان است خود او است که گریه میکند.

او بهمه بند میداد گریه را منع میکرد، اشک را مسخرمی
نمود، پس چرا اکنون در این شب تیره، در این وادی هولناک، در
این صحرای مرگ نشسته و زار میگردد.

زبانم میلرزید، قلبم بشدت می تپید، چشمانم تیره شده بود
و لرزش مهبیبی بدنم را فرا گرفته بود نمیدانستم باور کنم که او بهتی
الهه صبر، اشک میریزد.

اوه! خدایا مگر گل وجود ما را با آب غم رواندوه سرشته ای
طایقم طاق شد، سیل سرشک از دیده ام روان گردید، نزدیک او
شده دستم را بشانه اش گذاشته و گفتم.

دوست من چرا گریه میکنی؟ پس است وقت دیر است
وراه بسیار بر خیز تا بسوی منزل شویم.
سرش را بطرف من برگرداند در حالیکه قطرات سرشک
از دیدگانش فرو میریخت فریاد برآورد که:
من آواره را کو آشیانه که بدانجامشوم «افسرده»

کلمات حکمت آمیز

- ۱ - طرفداری شریران، برای منحرف ساختن داوری عادلان نیکو نیست.
- ۲ - سخنان نام مثل لقمه های شیرین است، و به حق شکم فرو میرود.

سرگشتهگان بیابان

برخیزید ای سرگشتهگان بیابان از گمناهی بیرون آید
هنوز راه زیاد است - نبرد ادامه دارد.
در بیابانها حرکت کنید.
باید جنبش بزرگی بنمایید.
زیرا در جلو شماراهای بسیار هریض و طولیلی
وجود دارد.
برخیزید هان ای خفتگان - خود و سستی را
ترک کنید.
اندک تزلزلی در تصمیمتان راه نیابد.
شهامت سر مشق شما باشد!
قدمهای شما بیابان و خفتگان را بلرزانند.
که هر کس انعکاس آنرا در قلبش بشنود.
هر کس در قلبش صدای خداوند را میشنود:
برو تو امروز بزمن تازه میرسی.
نه! نان بی رحمت و سبزی و غله بی رنج نغور.
نان از عرق جبین نغور - و میوه از دسترنجت
نه! نه! خیمه خالی و بیفایده مساز.
خانه تازه ای بنا کن - خیمه جدیدی برافراز!
.....
ح. هالیك

چگونه از مریض پرستاری میکنند؟

..... با اشتباهی خوبی صبحانه را خوردیم و برقیتم گفتم آیا بهتر نیست گردش و سیاحت روزی را ادامه دهیم؟ تبسمی ملایم نمود و گفت: راست بگو از نادانی زنده بوشان لذت برده‌ای یا از نقشه کشی فاخر بوشان؟

گفتم از هیچیک لذت نبردم بلکه بسیار متاثر شدم زیرا فاصله حیرت‌آوری بین طبقات دیدم. عده‌ای در نهایت فقر و ذلت، گروهی غرق در تنعم و لذت! ابدآ تعادل و هم آهنگی در این دیار ندیده‌ام!

گفت هنوز چیزی ندیده صبر کن تا دیدنیهای دیگری را بتو نشان دهم آنوقت قضاوت کن. اکنون برخیز و برویم. بر خاسته از در خارج شدیم. چند قدمی پیش نرفته بودیم که ایستاد و گفت در مسایکی ما مریضی هست که بعکم وظیفه بایستی بمیادش برویم. هم وظیفه را بجا آورده ایم و هم منظره نازهای را خواهی دید.

گفتم عجب موجود دقیقی هستی که حتی از عیادت مریضهم میخواهی درسی یاد بدهی. گفت شخص اجتماعی باید چنین باشد راه افتادیم و بمنزل مریض رسیدیم. دیدم در باز است و رفیقم بدون دق الباب وارد شد.

گفتم خوب است قبلا بداخل منزل چیزی بدهیم. گفت باز هم ساده هستی من میدانم که نباید بی خبر وارد خانه کسی شد ولی داخل شو تا به بینی این محل خانه نیست بلکه میدان تاخت و تاز و کانون خشونت و خصومت است اگر چند روز متوالی پشت این در بایستی و بکوبی کسی خبر دار نخواهد شد زیرا کسی خود را مسئول و مکلف حفظ این خانه نمیداند گفتم چه چیز عجیبی میگوئی با اینهمه سروصدا و داد و فریاد که از این خانه شنیده میشود و معلوم است عده زیادی در این خانه زندگانی میکنند چطور میشود یک نفر را هم مسئول قرار نداده باشند؟ گفت بلی اهل این خانه بسیارند ولی هر کسی برای خودش فکر میکند و برای خودش دست و پا میکند. داخل شدیم و آهسته بمن گفت خوب دقت کن و بین چه قدر بحال این مریض باید متاثر شد؟

اول منظره‌ای که متوجهم کرد این بود. عده‌ای را دیدم همه خشمگین رو به هم ایستاده و با فریادهای گوش خراش بهم ناسزا میگویند و هر يك با غضب و مشت‌های گره کرده فریاد میزنند و دارو و راهی برای معالجه مریض پیشنهاد میکنند و دیگری با پرخاش و فحش پیشنهاد را رد میکند و چیز دیگر میگوید و عده هم اطراف مریض را گرفته بدون اینکه فکر کنند در حال نزاع است با آهنگهای مختلف و زنده مثل اینکه درخواست مزد و انعامی میخواهند! بکنند میگویند من فلان

اجتماع (پایه)

دارا گفتم، من فلان طریق پرستاری را پیشنهاد کردم. من دعا خواندم، من فلان کار را کردم. بگو به بینم انشاءالله اگر خوب شدی در عوض چه بمن میدهی؟

دومین منظره که بیشتر متوجه و متأثرم نمود، حال آن مریض بیچاره بود که در میان آن داد و فریادهای سرسام‌کننده در حالیکه رمقی بیش نداشت و فقط پوست و استخوانش باقی بود بروی زمین دراز کشیده و دستهای لاغر و ناتوان خود را بسوی اطرافیان دراز کرده و با چشمان نیمه باز و بی‌فروغ استرجاحا با آنها نگاه میکند و با ناله جانگدازی با آنها التماس میکند و میگوید بحال من رحم کنید که دارم از دست میروم در عوض دعا و معجده بفرماید و با طیب باشید.

اگر این کشمکش بخاطر من است من دارم میمیرم چه سود. اگر بیهودی مرا میخواهید همه بکناری روید فقط چند نفری دانا و با تجربه بیالین من باشند و فکر نکنند شاید راه علاجی پیدا کنند و گرنه زحمت بیهوده را متحمل نشوید و بگذارید بطور راحت جان تسلیم کنم.

با حالت تائر بگوشه از اطاق نگاه کردم و چند نفری را دیدم با حالت مغموم و بسیار افسرده ساکت و آرام نشسته چشم بمریض دوخته و گاهی هم بآن منظره وحشتناک نگاه کرده و آهی میکشند و اشک تائر از دیده میریزند و با هم میگویند چه کنیم از دست دوستان و فرزندان نادان که نه خود میتوانند چاره‌کنندونه میکنند دیگری که میدانکاری کند راستی وحشت زده شدم و با تعجب و حیرت بازوی رفیق خود را که مات آن منظره عجیب شده بود فشرده و گفتم من چیزی نفهمم برایم توضیح ده.

گفت صبر کن حال مریض را بپرسم بعد برایت شرح می‌دهم. بدون آنکه آن عده متوجه ورود ما شوند یا اگر هم متوجه شده باشند بروی خود بیاورند ما بیش رفیقیم و سلام دادیم و از حال مریض پرسش نمودیم. ولی مریض بسا حال خسته و ناله ضعیفی تشکر کرده و گفت اگر صدجان داشته باشم از دست این خویشان و اقوام نادان کجا شفا مییابم؟ هر روز حال از روز پیش بدتر است. هر روز بنام پرستاری من و دلسوزی بحال من همین هو و جنجال است بدون اینکه لحظی برای مداوای من فکری کنند. آه کاش زودتر اجل مرا میربود و از چنگال جهل اطرافیان راحت میشدم.

رفیقم قدری دلدازی داد و گفت افسوس که کلیه خانوادگی این دیار باین درد نادانی و خود خواهی مبتلا هستند بقیه در صفحه ۱۴

چون روش این کتاب بیطرفانه است و فقط مقصود ما روشن شدن افکار عمومی است لذا درباره هر موضوع اجتماعی بدون دادرسی نظر خصوصی. قضاوت‌های اشخاص را برای اطلاع عموم منتشر نمیکنیم. بنا بر این خود را موظف میدانیم که از خوانندگان گرامی تقاضا نماییم عقاید خود را در باره کلیه مطالب این کتاب برای ما بفرستند که نظریات و افکار بیشتری در معرض افکار عموم قرار گیرد و نتایج بهتری بدست آید.

اینست که جواب مقاله «زن در عالم یهود» که برای ما رسیده است درج میکنیم.

در جواب مقاله زن در عالم یهود

خانه دارند که دو علت بزرگ میتوان برای آن قائل شد یکی توانایی جسمی مرد است..... و دیگری تحصیل معاش و رزق دادن بزن است.

آیا میتوان این دلیل را سبب عدم تساوی حقوق مرد و زن دانست؟

باید گفت نه نمیتوان زیرا قبلا گفته شد چه بسا مردانی با اندام کوچک و لاغر دارای حقوقی هستند که از لحاظ برتری و امتیاز نمیتوان با حقوق فلان کارگر و هیزم شکن خشن و قوی دیگل مقایسه نمود.

گویا نویسنده محترم فراموش کرده‌اند یا نخواسته‌اند این حقیقت را توضیح دهند تسلطی که زن بر مرد دارد بزرگترین و قویترین مردان تاریخ تا کنون نداشته‌اند کدام سیاستمداران نامی و کدام مرد نیرومندی را سراغ دارید که تحت نفوذ و تسلط زنی در نیامده باشد.

اگر زنت بواسطه ظرافت جسمی از مرد ضعیف تر است ولی غلبه روحی او بر مرد باندازه ایست که تاریخ جهانی را عوض میکند. حضرت ابراهیم با مشورت و دستور زنت سارا استقلال ارثی و امتیاز قطعی به اسحق پسرش داد یعقوب بواسطه تدبیر ریقا مادرش دارای تقوی و برتری نسبت به عیسو برادرش شد.

یعقوب بواسطه وجود داخل دختر لااب است بود که بیست و یکسال به لابان خدمت کرد و در نتیجه دارای دوازده پسر و یک دختر شد که سبب وجود ملت یهود قدیم و کنونی گردید مشورت «بت شعب» یکی از زنان حضرت داود بود که حضرت سلیمان بسلطنت رسید دولت یهود را بانهای عظمت و قدرت رسانید نفوذ معنوی و روحی استرملکه ایران برخشایارشا بود که ملت یهود از قتل عام هامانی نجات یافتند.

نمونه‌های زیادی از این قبیل در تاریخ دنیا هست که غلبه روحی زن بر مرد سیاست دنیا را تغییر داده است مثلا فتوحات و جهانگیری ناپلئون بواسطه ژوزفین بود عظمت ابراهام لینکلن رئیس جمهور دول متحده امریکا بواسطه خانمش بود.

در این صورت نمیتوان مرد را بر زن غالب و زن را در مقابل مرد مغلوب تصور کرد همچنین موضوع رزق بزن دادن.

گرچه نویسنده محترم مقاله شیوای «زن در عالم یهود» با دلایل منطقی و مدارک محکم اهمیت زن را در جامعه ثابت کرده و در چند جا با الفاظ مختلف تساوی حقوق زن را با مرد بلکه برتری آنرا بطور مرموزی وارد نموده است ولی از روی عقیده شخصی و مقایسه جسم زن با مرد خواسته است استحقاق زن را از لحاظ حقوق کمتر از مرد قلم دهد.

اولا خوب است سؤال کنیم حقوق یعنی چه؟

آیا حقوق عبارت است از دریافت دستزدی در مقابل دسترنجی؟

آیا حقوق احترامات و تکریماتی است که دیگران نسبت به شخصی بعمل می‌آورند؟

آیا حقوق عبارت است از مقام و شخصیتی که انسان در جامعه برای خود بدست می‌آورد؟

بهر اینست که قبلا حقوق را تعریف کنند بعد شرایط استحقاق آنرا در اشخاص سراغ گیرند. اگر بنا بر عقیده نویسنده مقاله «زن در عالم یهود» جسم را میزان حقوق قرار دهیم و کارهای سنگین مردانه و کارهای سبک زنانه را واحد مقیاس بدانیم می‌بینیم که یک نفر هیزم شکن بسیار قوی و درشت استخوان و زورمند از اول آفتاب با تبر سنگین و تیز خود از این درج بآن درج میکوبد آخر شب با شکم نیمه گرسنه و بدن نیمه برهنه خواب رفته است و فلان دانشمند یا استاد داشکاه یا فلان قاضی یا فلان رئیس یا فلان سیاستمدار با گردن باریک و بدن لاغر و جبهه نحیف همیشه در صف اول اجتماع قرار گرفته‌اند. پس از لحاظ جسمی نمیتوان حقوق افراد را تعیین کرد بلکه اندازه نفوذ و شخصیت اشخاص را باید در نظر گرفت که هر کسی در کجای جامعه قرار گرفته است و تا چه حد ببرد اجتماع میخورد معلوم شد که نمیتوان از نقطه نظر جسمی حقوق زن را کمتر از مرد دانست پس از لحاظ روحی چطور؟

به تجربه رسیده است کلیه تحولاتیکه در جامعه رخ داده است نتیجه تفکرات من فکرین است پس از عمل. و اولین دستاویزیکه درس فکر کردن را به بشر می‌آموزد دامن ماسد و اخلاق او است که ضمن پرورش جسمی طفل روحیه او را بیشتر تحت الشعاع قرار میدهد. نویسنده محترم میگوید:

«بطور کلی مردان يك نوع حق تسلط و حاکمیت در

راه حل منحصر بفرد

بشلم: بن گورین

جنگ پایان رسیده و آلمان نازی تبدیل به خرابه گردید. ولی باز هم ملت یهودی با جا و بردوی مقبره آزار کننده گانش ایستاده است. نباید فراموش کرد که هیتلر قبل از سقوطش موفق شد که يك قسمت از برنامه شیطانی و وحشیانه خود، یعنی انهدام یهودیان اروپا را بر حمله عمل بگذارد.

امروز اروپای آزاد شده برای ملت ما قبرستان بزرگی شده است. از شش ملیون یهودیان اروپا (بجز روسیه) فقط (۱۲۰۰،۰۰۰) قربانی مانده اند. چندی قبل فرماندهی ملل معظم در اروپا اعلام داشت که تمام اسرا و تبعید شدگان میتوانند وبخانه های خود مراجعت کنند. ولی یهودیان فراری اسرای آزاد شده نبود بکجا میتوانند برگردند؟

از سه ملیون و دو سست هزار نفر یهودی که در لهستان زندگی میکردند فقط ۵۰ هزار نفر باقی مانده اند که دولت جدید لومین هم چندی قبل اعلام کرد که صلاح نیست این باقیمانده ها هم در لهستان زندگی کنند. اصولاً آیا ممکن است یهودیانیکه در بازداشتگاهها و کشتارگاههای «برکن بلزن» و «بوخن والد» باقی مانده اند به لهستان مقبره دوستات و خویشاوندانشان که کاملاً نابود شده اند برگردند؟

مدتی قبل مهاجرین لیتوانی آراد شده به ارض اسرائیل رسیدند. این مهاجرین که پس از آزادی این شهر بدست ارتش سرخ بدینجا رسیدند اظهار میداشتند که در همان شهر که قبلاً «اورشلیم لیتوانی» نامیده میشد فقط سه هزار نفر اسرائیل باقی مانده است. فقط پارتیزانها که از شهرها گریخته و در جنگها بودند و یا کسانی که آلمانها آنها را بکارهای سخت گماشته بودند و موفق نشدند که قبل از عقب نشینی آنها را بکشند نجات یافته اند. از آنجاییکه اطفال اسرائیل نمیتوانستند فرار کنند و پارتیزان شوند و نه میتوانند برای آلمانها کار کنند، يك بچه و طفل اسرائیل را در ویلنا زنده نگذاشتند. چندی قبل یکی از کشورهای آزاد شده یعنی بلغارستان مسافرت کردم. این کشور تنها جایی است که در آنجا یهودیان کشته نشده اند «فقط» یهودیان بلغارستان را از خانه های خود در صوفیه به پلودیب رانده و تمام اموال آنها را غارت کردند «در صوفیه در حدود ۲۵ هزار نفر یهودی زندگی می کرد» پس از آزادی بلغارستان اینها توانسته اند به شهرها برگردند. ولی خانه های آنها و مشاغل و دارائی آنها همه از بین رفته و با بدست دیگران تصرف شده بود.

من با رئیس الوزرا و چندین نفر از لیدر های احزاب بلغارستان ملاقات کردم و از سخنان آنها درك نمودم که آنها میخواهند به یهودیان کمک کنند ولی جرات ندارند که در خصوص استرداد اموال و خانه های یهودیان قانون یا حکمی صادر کنند. شرایط زندگی یهودیانیکه به صوفیه مراجعت کردند بسیار سخت و مشکل است بطوریکه در يك اطاق ۲ یا ۳ و حتی ۴ خانواده زندگی میکنند. خود من دیدم که در يك اطاق ۱۲ طفل و ۴ مادر و يك پیر مرد زندگی میکردند. از آنها فقط اسکنی مانده است و امیدی بآئیه آنها نیست.

پیروزی بزرگ بدست آمده است. ولی این پیروزی، ظفر ما نیست. اروپا آزاد شد ولی هنوز باقیمانده ملت اسرائیل از گالوت نجات نیافته است. نه تنها سرنوشت ملت یهود اروپا غیر معلوم است، بلکه سرنوشت تمام ملت یهود مبهم و نامعلوم است. آیا ما هیچ اطمینان داریم که این فلاکت برای بار دوم گریبان ما را نگیرد. میدانیم که آنچه را که هیتلر بسریهودیان اروپا در آورد چیز تازه ای در تاریخ ما نیست. ممکن است بگوئیم که این کشت و کشتار با این شدت مخصوص هیتلر و هیتلریسم، میباشد ولی اصل کشت و کشتار برای ماناگرگی ندارد. زیرا ما ملتی بسیار کهنسال هستیم که خاطرات زیادی از ایام گذشته داریم و میدانیم که تقریباً در هر کشور در هر دوره این حوادث تجدید شده است. امروز ما میگوئیم که بزودی نظم جدیدی برقرار خواهد شد که عبارت است از صلح، عدالت و آزادی. با اینکه ماهیچ گونه شکی در درستی و امانت این مبشرین خوشبختی نداریم ولی نمیتوانیم فراموش کنیم که نظایر این اطمینانها ۵۰ سال قبل ۱۰۰ سال قبل و ۱۵۰ سال قبل نیز پیدا داده شد. حتی بیست سال قبل یهودیان آلمان تصور میکردند که کاملاً در محل مطمئن هستند و هیچ گونه خطری آنها را تهدید نمی کند. حتی جلوتر رفته خود را کاملاً آلمانی مینداشتند.

حالا چه چیز میتواند ضمانت کند آنچه که در آلمان اتفاق افتاد دومرتبه صورت نگیرد؟ میدانیم که هیتلر اول کسی نبود که بر علیه ما اقدام کرد حال چگونه میتوانیم اطمینان داشته باشیم که او آخرین کسی باشد که اینطور با ما ظلم کند؟

جنگ در اروپا پایان رسید ولی صلح، صلح حقیقی و پایدار هنوز دور است. حال اگر کاملاً صلح شود و دنیا روی آرامش به بیند نمیتوان گفت که ما هم دارای آرامش بوده در صلح و صفا زندگی میکنیم زیرا در صلح اینکه قبل از هیتلر وجود داشت ما آرامش نداشتیم. البته نباید فراموش کرد که هیتلر آنتی سمی تیزم را بعد از اعلام رسائید ولی این دشمنی با یهود را او بوجود نیارورد زیرا هیچ کشوری در روی زمین وجود ندارد که از وجود آنتی سمی تیزم پاك باشد.

آیا مایهودیان با دیگر افراد ملل آزاد حقوق مساوی نداریم؟ آیا ما هم دارای همان حقوق هستیم که آزادی و استقلال ما تضمین شده است؟ آیا ما حق نداریم که برای آزادی و استقلال ضامن و پشتیبان و حافظی بخواهیم که در مرتبه گرفتن مقصود و بیچارگی نشویم؟ حال يك دلیل دیگری هم وجود دارد که مانمیوانیم کاملاً دوشادمانی و پیروزی شرکت کنیم و آن عبارت از وضع مادر میهن خودمان میباشد. ساکنین اسرائیل ارض اسرائیل فعالیت فریبی از خود نشان داده است بطوریکه در طی شش سال جنگ اقدامات ساختمانی و بنای ارض اسرائیل قطع نشده، ما را کز استقراری زیادی تاسیس کردیم و صنایع خود را توسعه داده و برای پیشرفت امور جنگ کمک مهمی نمودیم. در تمام مواضع وجهات خاور میانه بشو (ساکنین اسرائیل ارض اسرائیل) تنها ملت جنگنده و فعالترین

حال اگر بواسطه تعصب خشک و تبلیغات ناصواب و ناروا ما تا دیروز زن را سربار جامعه تصور نموده ایم و هنوز کله ضعیفه را درباره آن وارد میدانیم و امروز او را جزء اثاثیه آشپزخانه یا اثاثیه اسقاطی منزل میدانیم دلیل آن نیست که در واقع این موجود عجیب و اسرار آمیز و موجود بسیار مفید و بارور ضعیف تر و یا ناقابل تر از مرد است.

تصور این موضوع دال بر غفلت و بی اطلاعی مردان است ترقی عجیب ملل دیگر نه فقط بواسطه لیاقت مردان بوده است بلکه بموجب تاریخ ترقیات ملل مختلفه وقتی شروع شد که زن در امور اجتماعی و سیاسی شرکت کرد در محیط ما مرد مسئول و محکوم است زیرا بانعالیم غلط و تلقینات نادرستی قرنهای نیمی از جامعه را فلج کرده و از کار بازداشتند و در کنج خانه گوشه نشین نمودند و گفته اند زن از لحاظ بارگرفتن و زائیدن و تحمل بیخوابی و رنج نمودن فقط برای مادر بودن خلق شده است و اجتماع انتظار و توقع زیادی از او ندارد.

چه اشتباه فاحشی!

بمقیده عده ای تعداد زوجات خود یکی از دلایل محکومیت زن است به ضعیف بودن و کمتر حق داشتن. این قبیل قضاوتها بسیار ظالمانه است. اگر خوب دقت کنند و علم روانشناسی و اجتماعی و اطباء نظریات بیشتری در این باره بدهند سستی این دلیل وی معنی بودن این قضاوت بخوبی ثابت میشود. اولاً از نقطه نظر زکات و تامین اساس و سعادت خانوادگی تعداد زوجات مخالف اصول تمدن است ولی چه باید کرد در مقابل عدم توانایی مردان که نمیتوانند مغلوب نفس نشوند و در مقابل زن زانو زنند زیرا عدم تسلط مردان بر نفس خویش و عجز آنها برای تحریک زن سبب فزونی عده زنان بر مردان شده است.

پس تکلیف عده کثیر زن در مقابل عده قلیل مرد چیست؟ چاره همان تعداد زوجات است. بنابراین اختیار نمودن چند زن نه از لحاظ برتری مرد بر زن است بلکه برای حفظ تعادل و محروم نبودن عده اضافی زن از آمیزش جنسی است.

چون درباره زن عقاید مخدّف است و تاکنون در ملت اسرائیل ایران بعضی در این باب نشده است بهترینست مطلقین عقاید و افکار خود را بوسیله این کتاب منتشر کنند.

«کر ۵ بچه»

جای بسی تأسف است که در مقالات وابسته بانجمت روحانی در شماره های پیشین بعضی افتادگی ها و پاره ای اشتباهات چاپی پیدا شده که اینک به تصحیح آنها مبادرت می ورزد:

(۱) در صورت اساسی هیئت عامله اجین روحانی نام آقای نورالله یوسفی که متصدی اموال و از کارکنان حساس و عبور انجمن نامبرده میباشد حذف شده است.

(۲) در مقاله راجع بزین که آقای سلیمان حمیم از طرف انجمن روحانی داده بودند چند فقره اشتباهات چاپی رخ داده که مهمترین آنها بقرار ذیل است:

در صفحه ۷۵ نوشته شده است (توراة در این قبیل مسائل ساکت هست) و حال آنکه در اصل خبر نوشته شده بود. (ساکت نیست)

مرور ایام و پیشرفت تمدن بشر این را بوجود آورده است که زن و مرد کارهای مربوط بزندانگانی خود را بین خود تقسیم کنند و گرنه در کسب و تحصیل معاش و باصطلاح عمومی در نان و آب پیدا کردن، زنان شاید چابک تر از مردان باشند.

هنوز در اکثر قبایل آفریقا زنان عهده دار کارهای مرد هستند. اگر زنها دارای میدان و فرصت باشند ورژیم و رسوم ملی و محلی آنها را مقید ننماید يك زن میتواند صدها مرد را اداره کند.

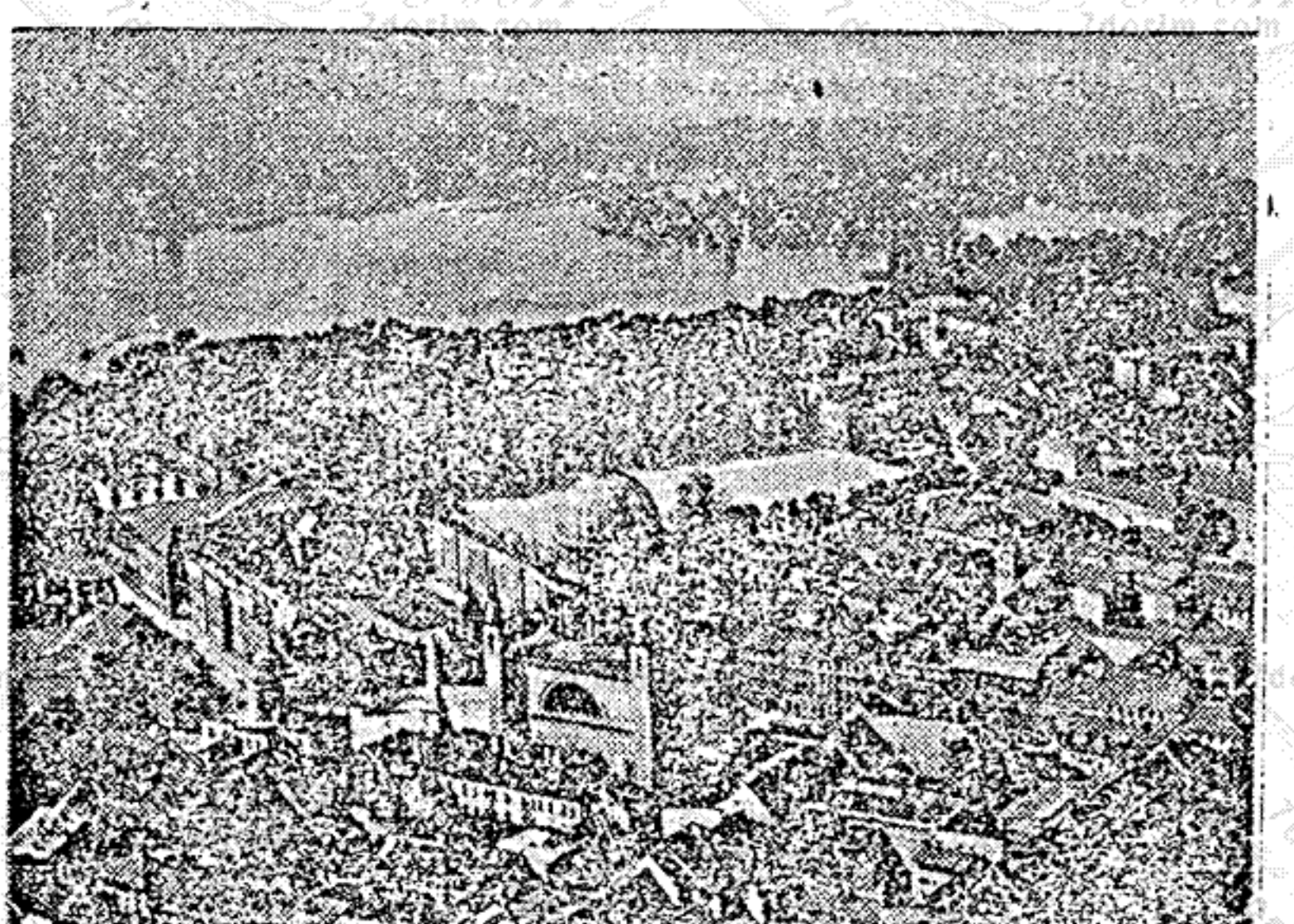
نمونه آن در همین محیط ما هم از آن مرد قوی هیكل مشاهده میکنیم که شبانه با شکم گرسنه خواب میروند در صورتیکه هزاران زن بافت میشود که دارای ثروت و تمول سرشاری هستند که خود بدست آورده اند. پس رزق بزین دادن نیز دلیل برتری مرد بر زن حساب نمیشود.

نویسنده محترم آیه «از این سبب مرد پدر خود را ترک کرده بزین خود خواهد پیوست و مردو یکتت خواهند بود» فقط دلیل ایجاد یگانگی مرد و زن آورده است. این بعضی است مفصل و قابل مطالعه. اولاً در تفسیر آن اشتباه رخ داده است و آرایست که نوشته است بزین خود خواهد پیوست در صورتیکه آیه توراة میگوید در زن خود پیو دد» این آیه فقط مربوط به یگانگی آنها نیست بلکه مقصد عالی آن توضیح تسلط روحی و معنوی زن است بر مرد بدلیل اینکه خود همین آیه میگوید که مرد پدر و مادر خود را ترک گفته و در زن خود پیوندد.

اگر مرد غلبه زن را بر خود نپذیرد، اگر مرد تحت نفوذ زن واقع نشود، اگر مرد تن باطاعت زن ندهد چرا دست از پدر و مادر خود که با خون دل و اشك دیده او را بزرگ کرده اند بکشد و تبعیت از دختر را بر خود هموار کند که شاید آشنایی قبلی هم با هم نداشته اند.

بر حسب ظاهر دیده میشود که دختر، خانه پدر خود را ترک میکنند ولی باطناً مرد است که یوغ اطاعت زن را بر خود هموار مینماید.

منظره ای از شهر پوتامدم



همکار متفقین بود. ولی امروز ارس اسرائیل دچار محدودیتهای کتاب سفید شده است که دروازه های فلسطین را بروی مهاجرین فراریان یهودی می بندد و حقوق ما را در خریداری زمین تحدید نموده و میخواهد ما را مجبور کند که در خانه ملی خودمان هم در اقلیت باشیم. یهودیان زیادی در اثر اینکه نتوانستند در مامن مطمئن ملی یهود وارد شوند در زیر چنگال خونین نازیها ازین رفتند بدین طریق یک قرار و تعهد بین المللی تبدیل به ورق پاره شد و حقوق اساسی و ابتدائی بین المللی از ملت یهود سلب شد.

از سال ۱۹۳۹ تا حال شش سال متمادی است که ما دچار این روش شده ایم. ما هیچگاه کتاب سفید را نیز نپذیرفتیم و به چورت به اجرای این سیاست رضایت ندادیم ولی وقتی که جنگ بین المللی دوم شروع شد و حتی در تمام دوره طولانی جنگ بطوری برای حصول پیروزی به انگلستان کمک کردیم که گویی اصلاً کتاب سفید وجود ندارد.

در کنفرانس فلسطین در سال ۱۹۳۹ در لندن موقعی که چمبرلین سیاست کتاب سفید را جزئی از سیاست دنیای آنروز اعلام کرد بما گفته شد که « مسائل اداری » چنین سیاستی را ایجاد میکند که مفتی راضی نگهدارند.

در آنروزها هم اشخاصی دور اندیش و حساسی مانند ونیستن چرچیل معتقد بودند که انتشار کتاب سفید تنها مخالف تمهیدات بین المللی است بلکه این موضوع سیاسی غیر قابل قبول است که دیگر امور را نیز از جریان معمولی خارج میکند.

افتشاشات فلسطین و خاور میانه بعدها ثابت کردند که این اشخاص پیش بین راست میگفتند. در آن موقع ملت یهود سکوت کرد ولی بالاخره پیشوایان عربی با انگلستان موافق نشدند. عراق بر علیه انگلیس برخاست و تنها هنگامی که جنگ در اروپا پایان میرسد کشورهای مصر - عراق و سوریه و لبنان تصمیم گرفتند که به آلمان « اعلان جنگ » بدهند و حال آنکه در تمام دوره جنگ تنها یک ملت بود که هانه بشانه ملل متفق، همراه بریتانیا با آلمان می جنگید و آن ساکنین یهود فلسطین بودند. امروز ارس اسرائیل در مقابل دو راهی سیاسی قرار گرفته است « سیاست کتاب سفید » و « تشکیل دولت یهود » موقعیکه میگویم « یکی از این دو راه » مقصود اینست که چاره منحصر بفرود یکی از این دو اصول است. با اصلی که در کتاب سفید مراعات شده است و یا اصل تشکیل دولت یهود. اصل کتاب سفید آنست که یهودیان باید حتی در ارس اسرائیل جزء طبقه اقلیت باقی بمانند. و حال آنکه مقصود از تشکیل دولت یهود بوجود آوردن شرایطی است که ملت یهود بتواند در آن شرایط بصورت اکثریت بیرون بیاید و معنای این مطلب عبارت از این است که ملت یهود مانند دیگر ملل مستقل دارای حکومت خود مختار و آزاد باشد.

ما باید از اشتباه کاری بعضی افراد در این هنگام یعنی زمان پایان جنگ بین المللی دوم بر حذر باشیم. اینها با همان افکار و با همان نظرهایی در جنگ بین المللی دوم داخل شدند که در

سالهای آخر جنگ گذشته وارد جنگ شدند. باید بدانیم که ما امروز در سال ۱۹۴۵ زندگی میکنیم نه ۱۹۱۹. از آن موقع تا بحال دنیا تغییرات زیادی کرده است. وضع یهودیان در دنیا و در فلسطین و بالاخره در کشورهای همسایه تغییر کرده است. ما در پایان جنگ گذشته تصور میکردیم که موقعیت دموکراسی و آزادی در دنیا مطمئن میباشد و تصور میکردیم که دیگر جنگ نخواهد شد. ولی چند سال بعد خلاف نظر ما ثابت شد و امروز هم شخص نمیتواند به این موضوعات ایمان زیادی داشته باشد.

قرائن و امارات بهمانشاه میدهند که هنوز معلوم نیست صلح و آرامش کامل در دنیا برقرار شود.

در پایان جنگ گذشته تصور میکردیم که ما خواهیم توانست مدت مدیدی بر احوالی و آرامش به کار، مراجعت به فلسطین، ادامه دهیم. ولی ما به چیزهایی برخورد نمودیم که ابداً سابقه نداشتند. در آن موقع ما فقط برای حیات اقتصادی و مراسم ملی و مذهبی خود فکر میکردیم و معتقد بودیم که هیچ خطری وجود ما را تهدید نمیکند. متجاوز از ۵ میلیون نفر یهودی جان خود را بر سر این فکر که آخرین افکار بوج ما در گالوت خواهد بود فدا کردند.

دیگر زندگانی یهودیان اروپا و حتی یهودیان پراکنده خاور نیز قابل اطمینان نیست. آیا جماعت یهودی که در کشورهای مختلف پراکنده هستند اطمینانی برای حیات خود دارند و میتوانند از انهدام خود جلوگیری کنند؟

در این دنیا که امروز خراب و ویران گشته است فقط میتوانند به تجدید حیات خود امیدوار باشند که در کشور خود زندگی کنند و از خود دولتی داشته باشند. این تجدید حیات هم پس از اقدامات زیاد امکان پذیر میشود.

با این مقدمات با در نظر گرفتن اینکه یهودیان کشور و میهن نداشته و در کشورها پراکنده هستند باید راه حل فوری برای ملت یهود پیدا نمود.

در این باره دو نظر موجود است یا باید از راه هیتلریسم و مطابق روش نازیسم یهودیان ازین برده شده و با دیگران مخلوط شوند که این قسمت مخالف انسانیت و هدف ملل متفق بزرگ است که برای انهدام فاشیسم و هیتلریسم میلیونها از جوانان خود را قربانی کردند.

چنانچه این راه حل پذیرفته شود خون میلیونها یهودی و ده ها میلیون جوانان و کارگران آزاد بخوابد که برای ابرود کردن فاشیسم شش سال چنکیده اند بیجهت پایمال شده است.

حال راه دوم - پایان بخشیدن وضع بی وطنی و بی دولتی ملت یهود. بوسیله مراجعت یهودیان سرگردان به فلسطین و تشکیل دولت یهود که تنها راه تجدید حیات ملی یهود است و مسلماً در صورت برقراری عدالت و آزادی باید این راه برگزیده شود.

اوضاع و احوال یهودیان شهرستانها

بواسطه موقعیت محلی، کرمانشاه یکی از بهترین نقاط تربیتی است همانطور که طبیعت درباره رشد نباتات و حیوانات آن نقطه چیزی مضایقه نکرده و بی حساب و بدون وجود سانسور و انحصار دشت و کوه و بیابان و دره آن، نعمت بار و سرسبز است همانطور هم امالی کوه نورد و بیابان گرد آن دیار نیز قوی و سرشار میباشد و حد اکثر لذت را از زندگانی میبرند.

طبعاً نظر بلند و عالی همت و میهمان نواز و شجاع که از خصایص کردها است میباشد.

ولی بدبختانه ملت اسرائیل کرمانشاه نتوانسته اند کاملاً قدر این نعمت خداداده را درک کنند و خود را در بهره برداری از آن منابع فیضی درین سهم و شریک نمایند مانند هزاران از برادران خود در این اواخر خود را در قید و بند موهومات پاینده و در طلم ترس و وحشت بیهوده که اکثر بلکه کلیه افراد اسرائیل دچار آنند گرفتار نمودند و بیهرفته اگر اطفال و جوانان کرمانشاه را از روزهای اول طبق اسلوب صحیحی تربیت کنند و پرورش دهند میتوان ادعا کرد که از بهترین افراد جامعه اسرائیل خواهند شد و در خدمت گذاری در راه جامعه شاید همواره سبقت و برتری داشته باشند.

ذوق سرشار و احساسات گرم (ولی خودرو و بدون برنامه) تعصب ملیت آمیخته با مهربانی که از خواص محیط کرمانشاه است و در وجود اکثر آنها یافت میشود قدری باعث جلوه آنها شده است.

بسیار ساده و زود باور و خوش نیت هستند ولی بواسطه نداشتن تعلیم و تربیت صحیح که برخلاف دستورات دینی و ملی بی ترتیبی جزء لاینفک غریزه طبیعی افراد اسرائیل ایران شده است آن سیر خواص باطنی و طبیعی اغلب برای خودشان مضرواق شده است اینست آنطوریکه به اسرائیلهای کرمانشاه چشم امید بود از چرخش گردش زمانه و تحولات اجتماعی خوب بیرون نیامده و جز عده از جوانان غیور اکثر افراد اخیراً انتهای بی علانندی رانست با امور اجتماعی و ملی خود نشان داده اند. بواسطه وجود بعضی از عناصر ناجور (که بدبختانه در همه جاهست و میوه خوش طعم و بوی ملت اسرائیل هنوز از این کرم خطرناک درونی خلاص نشده است) گاهی به ملت آرزوهای جاه طلبانه و خودخواهانه آنها آتشیهای تفاق و مبارزات داخلی ایجاد میشود. تاکنون همان عناصر خود خواه و خطرناک مانع سخت پیشرفت ملت اسرائیل کرمانشاه شده اند ولی از دو سال قبل جنبشی که توسط عده از جوانان غیور آنجا بوجود آمده تا اندازه نور امید برای اصلاحات آینده بدلهای زنک رده و افسرده تاییده است.

جمعیت و تشکیلات

عده جامعه اسرائیل کرمانشاه بین ۳۰۰۰ الی ۴۰۰۰

کرمانشاه

فرستاده آقای س.

نفر است که اکثر آنها دارای مغازه های عطاری و خرازی و بزازی و اغلب تاجر و صاحب دازو خانه چند نفری کفاش و خیاط و عده کمی بیله و ور عده ای از طبقه روشن فکرو تربیت شده که در خدمات دولتی و غیر دولتی هستند.

از این عده تقریباً ۵۰۰ نفر طبقه ممتاز و دوهزار و پانصد نفر متوسط و مابقی طبقه ۳ و مستمند اسرائیلهای کرمان شاه را تشکیل میدهند.

سابق بر اینت یعنی تا قبل از سی سال فقط دارای انجمنی بنام حبرا بودند که نسبت بوضع اجتماعی آنروز بهتر از چند سال قبل و امروز با امور ملت رسیدگی میکردند آن زمان دارای روحیه قوی بوده و خیلی بیشتر از امروز شجاع و جسور بودند بطوریکه ملای وقت که موسوم به بلا یحزقل بوده است میتوانست با بیابمی بحکومت خواهشهای ملت و پیشنهادات خود را عملی کند ولی پس از افتتاح مدرسه آلیانس انجمن دیگری از بیست جوان که روشن فکر تر بودند موسوم به کمیته مدرسه تشکیل شد که سبب اصلاحات سریعی شدند آن اشخاص کارها را بدوره های بعد از خود طبق قواعد طبیعی تحویل دادند.

این رویه ادامه داشت تا تقریباً ۵ سال قبل باز چند نفر از همان وجود های نامتناسب بواسطه غرور و خود خواهی سبب انحلال حبرا شده و خودشان مالک الرقاب مستبدی گردیدند بواسطه ریاست طلبی عده ای که هنوز اثری از آنها باقی است اشخاص صالح و پاکدامن یکی پس از دیگری کناره گیری و میدان را برای آن چند نفر جاه طلب خالی کردند این چند نفر خود خواه تامدتی بهیکه سواری و تاخت و تاز خود مشغول بودند و بتدریج روح اصلاح طلبی و ترقی خواهی از وجود افراد اسرائیل کرمانشاه موقتاً میرفت نابود شود وضع اجتماعی بسیار پریشان. امور محاسباتی ملی نامرتب و نامعلوم. مدرسه آلیانس سابق و اتحاد فعلی بواسطه نبودن سرپرست منحل و بسته شود.

نه مسئولی معلوم بود و نه دلسوزی از هر گوشه از این اجتماع کوچک يك آهنك بخصوصی که بادیگران مقابرت داشت برپا شده بود.

تا اینکه يك وقت جوانان فدائی ملت که خوشبختانه فقط این يك نعمت نفیس از یادگار اجداد ماباقی مانده است متوجه شدند که جز يك اسکلت فرسوده و پوسیده از هیكل اجتماعی اسرائیلهای کرمانشاه باقی نمانده است.

چند نفری پیشقدم شده و با مطالعه اینکه بسیار مشکل است فکر تازه را هر قدر هم مفید باشد در اجتماعی وارد کرد و با وجود اینکه از سالها پیش از نعمت مری و استاد معروم بوده بریتیشان نظری است.

ثوانستند با اتحاد و جنبش سریمی در مدت يك هفته چنان تكانی سخت بملت بدهند كه قویترین اشخاص از شدت این تكان حالت مریضی را پیدا کردند كه سرسام شده باشد و دامنه این جنبش طوری خود بخود ادامه پیدا كرد كه هیجان سختی در سراسر شهر کرمان شاه و در محافل غیر اسرائیل ایجاد شد و در مجالس و روزنامه های کرمانشاه انعكاس قیام جوانان کلبی چشم هارا خیره كرد و در نتیجه از دو سال قبل هیئت جوانان اسرائیل کرمانشاه تشکیل گردید در مدت کمی مجالس سخنرانی . انجمن بانوان . خیاطخانه ملی زنانه . جلسات منعقد شده حبرارا تشکیل داده و با پایبندی و استقامت به تجدید حیات مدرسه ویران شده و تأسیس صندوق مرکزی ملی در تحت معاسبات دقیق و تنظیم و نظیف با تبلیغ شدید ملت را برای دخالت در انتخابات شهرداری حاضر نمودند و با مراجعه به مقامات مربوطه هیجانی در اهالی کرمانشاه ایجاد کردند و مسقیماً در انتخابات شهرداری شرکت کردند ولی بدبختانه بواسطه بلوایی كه در كرامانشاه روی موضوع انتخابات برپا شد اخذ آراء بچند ماهی بعد موکول نمودند ولی بواسطه مخالفت مفرضین . جوانان چندی از سكار كناره گیری کرده و چند نفر هم بمسافرت رفتند و موقفاً هیئت جوانان تعطیل شده بود كه مجدداً دستور انتخابات داده شد ولی چون جوانان فعالیتی نكردند این حق قانونی از كف جامعه اسرائیل كرامانشاه خارج شد .

مخالفت با جوانان بجائی كشید كه همان اشخاص ناچود برای نابودی جوانان متوسل بمقامات سیاسی شدیدی جوانان رشیدانه دفاع کرده بطوریکه پس از اثبات حقانیت خود اشخاص شاکی منفعول و شرمنده بجای خورد نشسته و دست از خرابکاری كشیدند .

چند ماهی هیئت جوانان سكوت اختیار نمودند ولی اخیراً بار دیگر جلسات خود را تشکیل و بخدمات خود ادامه میدهند و كاردن بارتی كه در هفته پیش دادند و مدت ۶ شب متوالی ادامه داشت و عایدات قابل توجهی كه برای امور فرهنگی بدست آورده اند آنها را فوق العاده شایان تقدیر مینماید و از قرار اطلاع انجمنهای محلی غیر اسرائیل با دادن سهمی بمدرسه آلیانس كرامانشاه از جوانان اسرائیل كمكهایی خواسته اند كه آنها هم متقبل شده اند .

انجمن بانوان كه برای تربیت زنان و دوشیزگان در نتیجه فعالیت جوانان تشکیل شده بود چند ماهی منعزل ولی مجدداً در تحت سرپرستی چند بانوی كاردان و فعال و دانا تأسیس و برای آشنا كردن جامعه زنان مجاهدت قابل تقدیری مینمایند .

كرمانشاه دارای پنج كنيساست كه اهالی بطور رضایت علاقه خود را نسبت برسوم ملی و مذهبی با اجتماع در آن كنيسا ها نشان میدهند .

كرمانشاه دارای يك حمام ملی قدیمی است كه اگر بدران

ما از خود بجای نگذاشته بودند میتوان گفت بملت مستی هدهای از مغالین دائمی امروز این يك حمام هم وجود نداشت .

فرهنگ

دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه تنها وسیله هم تعلیم و هم تربیت اطفال اسرائیلی كرامانشاه است . تا قبل از شكست فرانسه مانند تمام مدارس آلیانس با كنگهای هیئت آلیانس و همت اهالی اداره میشد ولی پس از آن كمكی از آلیانس نرسید نگهداری آن قدری مشکل شده بطوریکه دو سال پیش مرحله انحلال رسیده بود ولی جوانان دردی هدهای ارا افراد اسرائیل خصوصاً قیام و تبلیغات جوانان علاوه بر اینکه از بسته شدن آن جلوگیری كرد هفت كلاس مدرسه پسرانه را به نه كلاس ارتقاء داد .

تا دو سال پیش تقریباً آموزش شده بود كه فرهنگ یعنی چه زیرا پس از اعدام مرحوم شمویل جیم نماینده دبیر دوره پنجم مجلس شورای ملی كه از جوانان رشید كرامانشاه بود مسئولین خانواده ها از تربیت و تعلیم فرزندان خود مأیوس شده و هده كگیری همان به تحصیلات شش ساله ابتدائی اكتفا كرده و اطفال اذوق و با استعداد خویش را جبراً از تحصیل باز میداشتند و نسبت به استغناء و زاری جگر گوشه كان خود كه تشنه آب حیات دانش بودند اهتمامی نكردند و جامعه اسرائیل را از فیض قابلیت عده زیادی از جوانان محروم کردند و اکنون همان جوانان یا بشغل عطاری یا بزاری و یا خرازی فروشی مشغول و یا هر يك بگوشه ای از نقطه ایران یا خارجه متواری شده اند ولی بگانه هر دیکه علاقه مفراطی به تربیت فرزندان خود نشان داده و از رویه ناروا و ظالمانه دیگران تقلید نكرد

آقای عزیز نظریان عضو برجسته بانك شاهنشاهی كرامانشاه بود ، كه فعالیت و مجاهدت ایشان در باره تربیت و تعلیم فرزندان خود با وجود تحمل مصائب طاقت فرسا نمونه منحصر بفرد است و برای این موضوع كه هنرمندی فرزندانش برفع جامعه خواهد بود افكارش فوق العاده شایان تحسین و تقدیر است ولی از چنه سال پیش جوانان كه خود بخود بی باهمیت فرهنگ بردند تا اندازه ای برای رفع نقص بزرگ بی دانشی از محیط كرامانشاه قیامی نمودند و امروز عده ای از آنها مشغول تحصیلات عالی هستند .

عده شاگردان دبستان و دبیرستان پسرانه تقریباً ششصد و دخترانه ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر است ساختمان مدرسه آلیانس كرامان شاه كه از بناهای قدیمی ولی دارای وسعت کافی و فضای بسیار خوبی است روبه ویرانی نهاده است و بواسطه نبودن بودجه کافی تجدید ساختمان آن غیر مقدور است دو سال پیش حكه جوانان برای آبادی آن دست به اقدامات و تهیه بودجه زدند مخالفت ظالمانه و جنون آمیز مغالین آنها را دلسرد نمود ولی بار دگر جوانان برای تعقیب نقشه خود قیام نموده اند . باشكاه و انجمنهای مرتب ورزشی وجود ندارد ولی گاهی هدهای ارا افراد جوان ، تیم های فوتبال و والیبال و بعضی بازیهای دیگر دایر و پس از مدتی منعزل میشود .

بقیه دارد

خدا را بشناسید

راز خلقت

در آیه اول قرآن مجید باری تعالی بجهت پادشاه خورشید و گوهر و گویا آنرا از عالم عدم به عالم هستی بوجود آورده (سفر پیدایش)

از سینه های فلاماریون

ماه تابش خود را بزمن تیره افکنده آب نیل گونرا نقره فام و دل و دیده مرا كه نزدیک پشیره كلبه ام روبرویانشته بودم روشن ساخته بود . در این سكوت و سكوت دلپذیر كه آسایش تن و آرامش روانرا دربر داشت آنهك موزون ساعت كه گذشت زمان زود گذر و گریز هر تیزپیر را اندازه می گرفت مرا با آسمان متوجه كرد و دیدم چگونه این ماه تابان در فاصله ۳۸۴ هزار كيلومتري اینسان شتابان بدور زمین می چرخد ، بطوریکه با هر تيك تاك ساعت بیش از يك كيلومتر و در هر دقیقه ۶۱ و دو هر ساعت ۳۶۶۰ و در هر روز ۸۷۸۶۶۹ کیلومتر و بالاخره در هر ماه ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر راه خود را بدون اندك خستگی و درنگی از مغرب به مشرق می پیماید و شبهای تیره ما را روشن و دل افزوده و مشتاقانرا گلشن می سازد و اینس شب زنده داران و همراه دلدادگانست .

در این تفکر بودم كه بالهای خیال مرا از زندگی خاکیم بر گرفت و به كهكشانم كشاند و وقتی به زمینم برگرداندم رفیق فیلسوف و گریز پایم از در آمد و چون سرگردانی مرا در بر اهلت خلقت و بیچارگی مرا در كشف اسرار آفرینش دید کمی اندیشید و گفت :

هنگامی كه آسمان صاف و این قبه ازرق فام شفاف باشد چقدر قشنگ و دلربا و چه اندازه فرح انزا و دلگشا است ، همینكه جریان سردی در آن هوای صاف و بی غش دمیده شود فوراً بخار آب آن كه سابقاً ناپیدا بود بشکل ابری هویدا می شود و صفای آنرا به كدورت میدل میسازد آلیانس از پیدایش قطعات بزرگ ابر ، چیز تازه و نو ظهوری با آسمان افزوده شد ؛ هر گز ، تنها در نتیجه تغییر درجه حرارت هوا ، آن آسمان صاف ، روشن و نامحدود بدل به فضای محدود ، كدورت و تاریك گردیده است .

- آیا نپیدانی كه خلقت كائنات و آفرینش موجوداتهم جز پیدایش ابر موقتی و كدورت گذرانی در روشنی و صفای دائمی ابدیت چیزی نبوده است ؟

- هر گز هیچ دلیل و منطقی غیر قابل ردی نتوانسته است ثابت كند كه هستی همیشه بوده و همواره نیز خواهد بود .

- برعكس ، مشاهدات هر روز ما بطور آشكار میگوید كه این هستی همیشه نبوده بلكه بعداً هست شده و سرانجام نیز نیست خواهد شد .

زمین ، ماه ، خورشید ، ستارگان و خلاصه آنچه در عالم

موجود است حالت استثنائی موقتی و گذرنده ایست كه در اثر وزش باد سردی در آسمان امکان پیدا شده و آفرینش و پیدایش موجودات را سان كدورت ابری در هوای صاف موجب گردیده است و حال آنكه ممكن بود این آسمان همواره بی لك مانده و روشنی ساحت پاكش به پیدایش ابر تیره ای مكدور نشده باشد .

تازه همین هستی هم آنطوریکه بنظر شما می رسد نیست و حقیقت آن مطلقاً بدارك نیاید و كنهش بوهم هم نیكند . هر جسمی كه می بینم یا آنرا لمس میكنیم از ابتدای نامرئی و لمس نشدنی پدید آمده و عالم مرئی و ملموس ماصرف صورت ظاهر و زود گذر عالم بی پایان ندیدنی و نسنجیدنی است .

كوتاه بینان كه در اثر تطور تدریجی حیات خاکی درست شده اند و روی این ذره ناچیز كه نامشرا كره زمین گذارده اند بیش از لحظه کوتاهی زیست نمیكنند و منظوری جز خون ریزی و كشتار یكدیگر ندارند ، نپیدانند اگر هم وجود نمی داشتند و خلقرا به خیال خود مزین نكرده بودند باز هم این اتم كوچك بدور خورشید بمشك و ذره می در فضا آن تغییر بی بدین میگشت همینطور اگر همه هر دهان روی زمین و سایر آفریدگان جهان فكر كنند یا نكنند ، دوست داشته باشند یا نداشته باشند ، بخوانند یا نخوانند ، باهوش یا كودن ، قشنگ یا زشت ، جوان یا پیر ، خوب یا بد ، در قصور عالیه نشسته و یا در زیر آوده خاك خفته و خلاصه مرده یا زنده و یا اصلاً باشند یا نباشند بر دامن گبر یائی ابدیت كوچكترین گردی نخواهد نشست و در راه و روش آن بقدر ذره ناچیزی تأثیر نخواهد كرد .

تمام دوره هستی موجودات از آغاز تا انجام جز لحظه بسیار کوتاه و لبه آتی در برابر ابدیت بی حد و مروری آغاز و انجام چیزی نیست كه به چشم برهم زنی در میگردد و رنگ هستی امروزی از بین میرود و به بی رنگی اولی بر میگردد ، تنها هستی بغش كائنات و پدید آورنده ابر موجودات كه در اندیشه لنگان بشر ازلیت ، ابدیت و احدیت نامدارمانند پیش باقی و برقرار و همواره بی چون و استوار خواهد ماند .

هنگامی بود كه فضا كاملاً شفاف و بی غل و غش و هیچ لكه ابری آنرا كدورت و آفریده ای آنرا تاریك نكرده بود زمانی نیز بیاید كه باز هم صفای ذاتی اصلی آن را هیچ مخلوقی مشوب نكند و هیچ موجودی وجود نداشته باشد .

حتی امروز هم چیزی كه واقماً وجود داشته باشد جز حر كت و ارتعاش نیست و این موجات مانند ابری بادها و زود گذر صفای ساحت بزرگ و كدورت ناپذیر ابدیت را بر حسب ظاهر فقط در چشم شما دمی چند مكدور ساخته و بزودی در خواهند گذشت و روشنی دوران پیش بر میگردد و تیرگی موقتی كنوانی را از بین میبرد .

بقیه دارد

جشن کلوب ورزشی اردن

بزرگان ما چگونه از ما تشویق میکنند

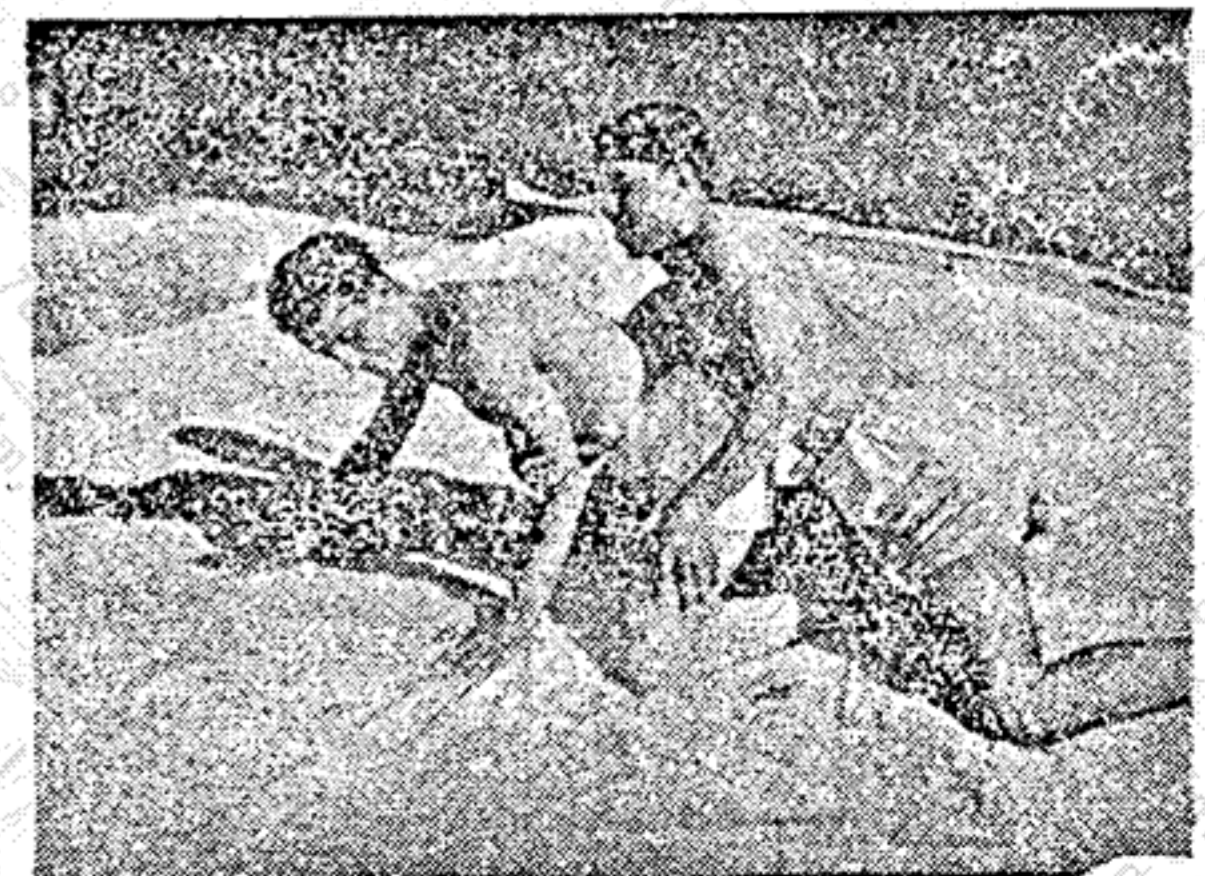
« ما در عصری زندگی میکنیم که حتماً برای مقابله با مشکلات زندگی محتاج جسم قوی و مزاج سالم هستیم و یگانه راه تامین ایندو ورزش است »

چون تا قبل از تأسیس این کلوب جوانان ما تا اندازه‌ای آشنائی بوررش نداشتند و اغلب اوقات بیکاری خود را در گوشه کافه های پست میگذرانند ما جوانان تصمیم گرفتیم که کلوبی تشکیل داده تا شاید بتوانیم جوانان اسرائیل را آوار سازیم که ورزش کرده و از مزایای حیاتی آن بهره مند گردند روی این اصل با کمک مادی و معنوی خود و گرفتن مبلغی وام از انجمن کلبیان تهران موفق شدیم در محل انجمن واقع در سه راه شاه کلوبی بنام کلوب ورزشی اردن تأسیس نماییم و تا اندازه‌ای اثاثیه های مختلف ورزشی ایرانی و فرنگی از قبیل: تشک کشتی - سنک - کبابه - بارفیکس - پارالل - بکس - هالتر - والیبال - فوتبال - پینک پلک را در دسترس جوانان قرار داده و ورزشهای مختلف سابقه بین ملت اسرائیل را رایج نمودیم و با موفقیت در مسابقات مختلف ورزشی امید است جوانان قوی و نیرومندی تحویل جامعه اسرائیل دهیم.

بطوریکه در قسمت چهارم این کتاب ذکر شد در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۷ کلوب ورزشی اردن منظور توسعه بیشتری در این امر و تهیه و خریداری مقداری اثاثیه ورزشی مورد نیاز کلوب با تحمل مخارج هنگفت و زحمات زیادی موفق گردید جشن ورزشی مجملی در محل کلوب بر پا کند هیئت رئیسه کلوب عده زیادی از اسرائیلیهای متنفذ را دعوت نمود که در این جشن حضور یابند از جوانان ورزشکار اسرائیل تشویق نمایند ولی متأسفانه عده زیادی از ایشان بر اثر بی‌علاقگی و بی‌اطلاعی از مزایای حیاتی ورزش از حضور در این جشن خود داری کردند و البته اشخاصی هم بودند که در این جشن شرکت کرده و از جوانان ورزشکار ما تشویق نمودند و ما کمال امتنان و تشکر را از ایشان داریم.

کسبت کابل تنگه ایمنه کدهای او شرکت کنگردان کلسور ایمنه میخوانند با انداختن سنج و پول کیر رایج و کمانه فاره در کسبه مرشد سنج راهه کما شده و ما را از آنجا امین امیر کما در اردن کافه او ایمنه

آقای اصیل و شامشیان هنگام کشتی



ما جوانان چنان در این راه پایداری و استقامت بخرج خواهیم داد تا به یگانه منظور و هدف نهائی خود یعنی تشکیل تربیت بدنی مستقلی برای اسرائیلیهای ایران و برقراری رابطه با کلبه شهرستانهای ایران جهت نیرومندی جوانان اسرائیل برسیم -

اینک بیان این جشن را باستحضار عموم اسرائیلیهای ایران میرسانیم تا بدانند که بزرگان ما چگونه از ما تشویق میکنند!

مبالغ جمع شده در این جشن
فروش ورودیه «
« خرج شده جهت جشن در آمد جشن

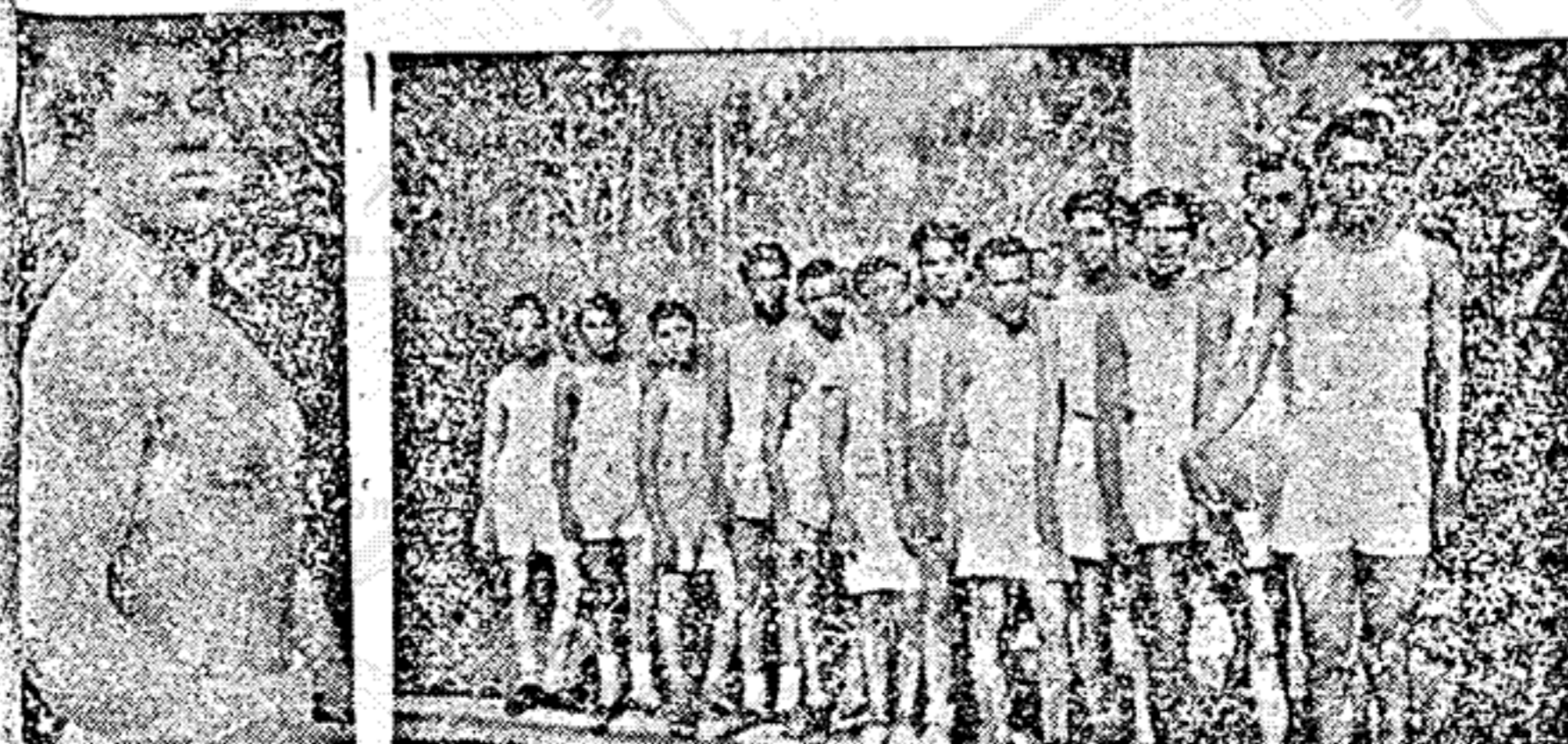
۶۰۷۰ ریال
۶۶۰
۴۹۲۶۵
۴۱۸۰۳۵

هیئت رئیسه کلوب

بزرگترین مسابقه کشتی باستانی
بین جوانان اسرائیل
در محل کلوب ورزشی اردن
واقع در سه راه شاه کاشی شماره ۱۰۱۹
دره شهر یور ۱۳۲۴ بین وزنه‌های مختلف و بعد از این قهرمان
های وزنها بعمل خواهد آمد

۳ گلدان نقره تقیسی به قهرمانان جایزه داده میشود
از داوطلبان دعوت میشود
که تا اول شهریور برای اسم نویسی
و کسب اطلاعات بیشتری به محل
کلوب رجوع نمایند
هیئت رئیسه کلوب ورزشی اردن

تیم والی بال کلوب ورزشی اردن



آقای همادیان کلوب ورزشی

اطلاعات عالم یهود

هفتاد و پنجمین سال تأسیس مدرسه فلاحتی

« میکوه اسرائیل »

مدرسه فلاحتی (میکوه اسرائیل) واقعه در نزدیک « تل آویو » اخیراً جشن هفتاد و پنجمین سال تأسیس خود را برپا داشته بود . این مدرسه در سال (۱۸۷۰) بوسیله « کارل نتر » برای آلیانس اسرائیلیت تأسیس شد و در آنوقت ۲۰۶۹ نفر دانشجو از این مدرسه فارغ التحصیل شدند و در قسمتهای مختلف ارض اسرائیل بزراعت مشغول شدند .

گاردن پارتنی در کرمانشاه توسط هیئت جوانان هیئت جوانان اسرائیل کرمانشاه بمنظور کمک به یتوایان و مساعدت به بودجه مالی دبیرستان اتحاد شش شب متوالی در صحن دبیرستان گاردن پارتنی مجملی تشکیل دادند که تاکنون در آن شهرستان بی سابقه بوده و مورد استقبال شایان اهالی کرمانشاه قرار گرفت ، در این گاردن پارتنی عموم افراد ملت زن و مرد ، دختر و پسر ، پیر و جوان با تحمل زحمات قابل تقدیر احساسات بی نظیر ملی خود را ظاهر ساختند نتیجه کوشش آنها هم بی نتیجه نماند زیرا افراد روشن فکر کرمانشاه مستقیماً در این امر خیر شرکت نمودند و مخصوصاً کمک فرماندهی محترم تیپ کرمانشاه که مدت شش شب متوالی دسته موزیک خود را در اختیار گذارد و مراقبت کامل شهربانی برای حفظ انتظامات فوق العاده مورد تشکر و سپاسگزاری افراد اسرائیل کرمانشاه مخصوصاً هیئت جوانان گردید .

حالم یهود : ما از اینگونه کمکهای مؤثر که باعث ایجاد مودت و دوستی بیشتری بین افراد ملت ایرانی است صمیمانه قدر دانی مینماییم .

تیم « گوی یهودیان ورشو »

یادبود دومین سال قیام کوی یهودیان ورشو ، اتحادیه معلمین قرن قیمت ارض اسرائیل تبریر مخصوصی چاپ و منتشر ساختند .

اگر خوانندگان عزیز بخاطر داشته باشند ، در سه سال قبل هنگامیکه هیتلریهای خونخوار بزم ازین بردن باقیمانده اسرائیلیهای ورشو بحمله اسرائیلیها حمله کردند . جوانان غیرتمند و شجاع اسرائیل ورشو مردانه قیام کردند و با آلمانیهای خونخوار بجنگ پرداختند ، این جوانان در موقع حمله آلمانیها از کشته شدن در راه حفظ حیثیت و شرافت خود باکی نداشتند و پشت بدشمن که دارای تجهیزات کامل بودند نکردند . این جوانان غرور با شعار « לא יבשר אשכנזי » (مردی چون من فرار نخواهد کرد) مردانه بالشکریان وحشی و خونخوار هیتلر جنگیدند تا آخرین قطره خون خود مقاومت کرد ، بدخانواده های خود را حفظ نمودند . و در موقعیکه خود با افتخار و سربلندی زیاد در راه حفظ شرافت اسرائیل قربانی میشدند دیگر برادران خود را مخاطب ساخته با کلمات « میهن اسرائیل - آزادی - انتقام » از آنان وداع میکردند .

تاریخ جنگ کنونی این شجاعت و دلآوری جوانان اسرائیل ورشو را با حروف درشت و طلائی ثبت خواهد کرد . و این یک پرده از پر افتخارترین صحنه های تاریخ اسرائیل می باشد .

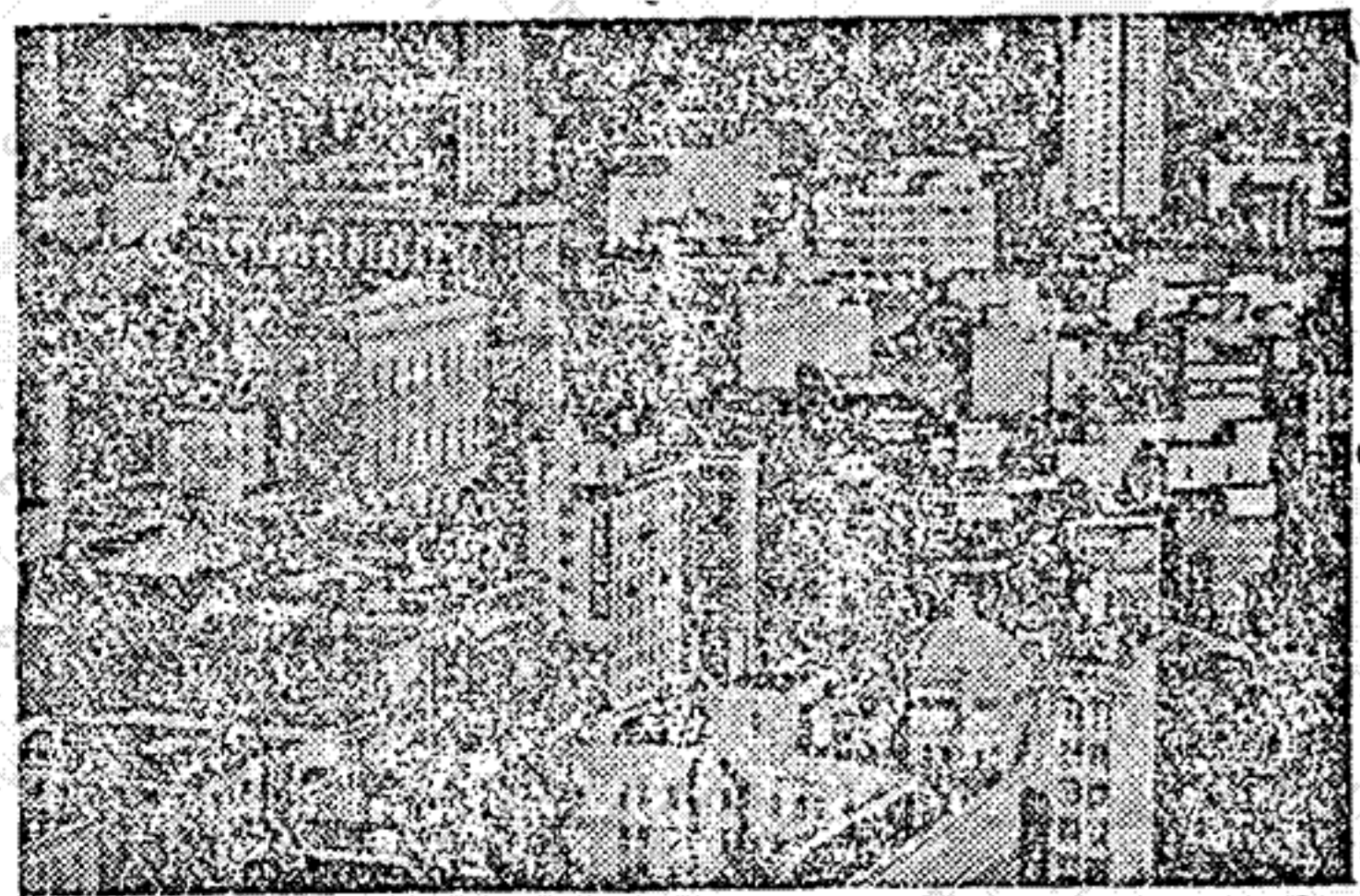
دهکده روزولت

بوسیله قرن قیمت لایسرایل تصمیم گرفته شده است که برای زنده نگاهداشتن و ابیدی کردن نام (فرانکلین دلانور روزولت) رئیس جمهور فقید کشورهای متحده آمریکا ، در ارض اسرائیل یعنی در میهن افرادی که او را مانند رفیق صمیمی دوست میداشتند و مانند برادری ارجمند او را احترام میکردند ، دهکده ای بنام او تأسیس نمایند .

قرن قیمت لایسرایل مساحت قابل توجهی برای ساختمان این دهکده اختصاص داده است . اسم این دهکده بسیار ساده و فقط بنام « روزولت » نامیده خواهد شد .

جنگل پیروزی

قرن قیمت لایسرایل بواسطه پیروزی در اروپا اقدام تأسیس جنگل عظیمی بنام « جنگل پیروزی » نموده است در این جنگل ، درختان ، باغات و مزارع بزرگی بنام سربازان اسرائیل ، پیشوایان ، کراسی و حافظین حقوق بشریت و بنام کشته شده گان جنگ و عموم آنهاستیکه دلاورانه در مقابل دشمنان عالم بشریت جنگیدند و بالاخره آنها را از پای در آوردند ساخته خواهد شد .



یک منظره از شهر ساتترانسیسکو

چگونگی از مریض پرستاری میکنند
 مریض گفت این اشخاص برای من دلسوزی نمیکنند بلکه برای اینکه برخ من بشکنند که مرا دوست دارند و برای خود نمایی و شهرت این هیاهو را بر پا کرده اند امروز غمخوار واقعی من فقط آن چند نفری هستند که در آن گوشه نشسته و گریه میکنند و بد بختانه اراده و توانایی آنها هم باندراهی نیست که این جهال و وحوش را آرام کنند .
 راستی از آن غوغا منمهم سرسام شدم برفیقم اشاره کرده پس از دلداری و غمخواری برخاسته و رفیقیم . رفیقم گفت این عده غوغاگر همه خویشان و فرزندان این مریض هستند برای اینکه خود را نزد این مریض عزیز کنند و بنمایانند که پرستار و غمخوار او هستند اینطور باهم مجادله میکنند و نسبت بهم هتاک می نمایند .
 ولی در حقیقت هیچک دلسوز و دوستدار مریض نیستند بلکه همه خود خواه و شهرت طلب هستند گفتم شکر میکنم که در محیط مسا اگر هر عیبی هست دیگر این عیب عجیب و بزرگ وجود ندارد .
 خنده تسخیر آمیزی کرد و گفت عجب بازم از خودت تعریف میکنی اینجا اگر بعضی از خانواده ها گرفتار این بدبختی هستند در دیار شما جامعه و ملت شما دچار این بلا هستند گفتم دلیل بیاورید
 گفت خوب گوش کن و فکر کن و بعد تصدیق نما گفتم بگو
 گفت روز بیش ثابت شد که بواسطه ریاست مردگان بر زندگان محیط هما و وضع اجتماعی شما بدتر از ما است پس جامعه شما آشفته تر از این خانواده هست . گفتم بنظرم صحیح میاید .
 گفت پس جامعه خود را بمنزله این مریض تصور کن . اینهمه سر و صداهای عجیب و گوناگون که از هر گوشه بلند شده است مانند صداهای همین پرستاران دروغین است . آنها هم انجمن و تشکیلات بیپوده که در هر گوشه و کناری تشکیل شده است و آنها هم سینه ها بیکه برای اصلاح وضع خراب جامعه سپر شده است و آنها هم سخنرانیهایی که گاه و بیگاه از چپ و راست میشوند نه برای مداوی جامعه مریض شما است بلکه همه برای شهرت و خود نمایی و برای رسیدن به مقام و مرتبه است . آن مشتاهایی که اشخاص بدهان یکدیگر میزنند نه برای رد پیشنهاد بد و با دلسوزی بیجا دوباره مریض است بلکه برای اینست که یکدیگر را از بین ببرند و مقام و مال و مکتب یکدیگر را تصاحب کنند فکر کردم و گفتم حقیقتاً عجب تشابه و تصادف بجا و نیکویی .
 اشخاصی امروز داریم که در حال تعبیر و حسرت بوضع خراب ملت خود مینگرند و افسوس میخورند و میخواهند کاری

ما بجز ارض اسرائیل خاله ای نداریم
 لندن — در جلسه ای که اتحادیه صیونیستی بریتانیا و ایرلند تشکیل داده بود ، « راولد » یکی از پیشوایان شرقی و رئیس انجمن صیونیست استرالیا و « موریس ساموئل » نویسنده امریکایی هر يك سخنرانیهایی کردند . « راولد » در باره وضعیت دلخراش یهودیان اروپا سخن راند و گفت که « ماهه بی خانمانیم و خانه ای جز ارض اسرائیل نداریم . » سپس راجع به اسرائیلیهای آرژانتین سخن گفت و اضافه کرد که « در آرژانتین آویختن عکس پیشوایان صیونیست بدیوار خانه ها ممنوع است . همچنین اسرائیلیها حق ندارند که مجامع صیونیستی تشکیل دهند . »
 انجمن صیونیست آمریکاناری (۴۰۰۰۰۰) عضو میباشد انجمن صیونیست آمریکا یکی از بزرگترین انجمنهای صیونیست دنیاست و دارای چهار صد هزار نفر عضو میباشد . و امروزه (۷۰۰) نفر در حالوتص « آمریکایی در ارض اسرائیل مشغول کار میباشد و در آتی نیز هزاران « حلوتص » دیگر برای کار بارض اسرائیل مهاجرت خواهند کرد .
 گذشته از اینها انجمن صیونیست آمریکا بزرگترین رول سیاسی را در باره اسرائیل بازی میکند .



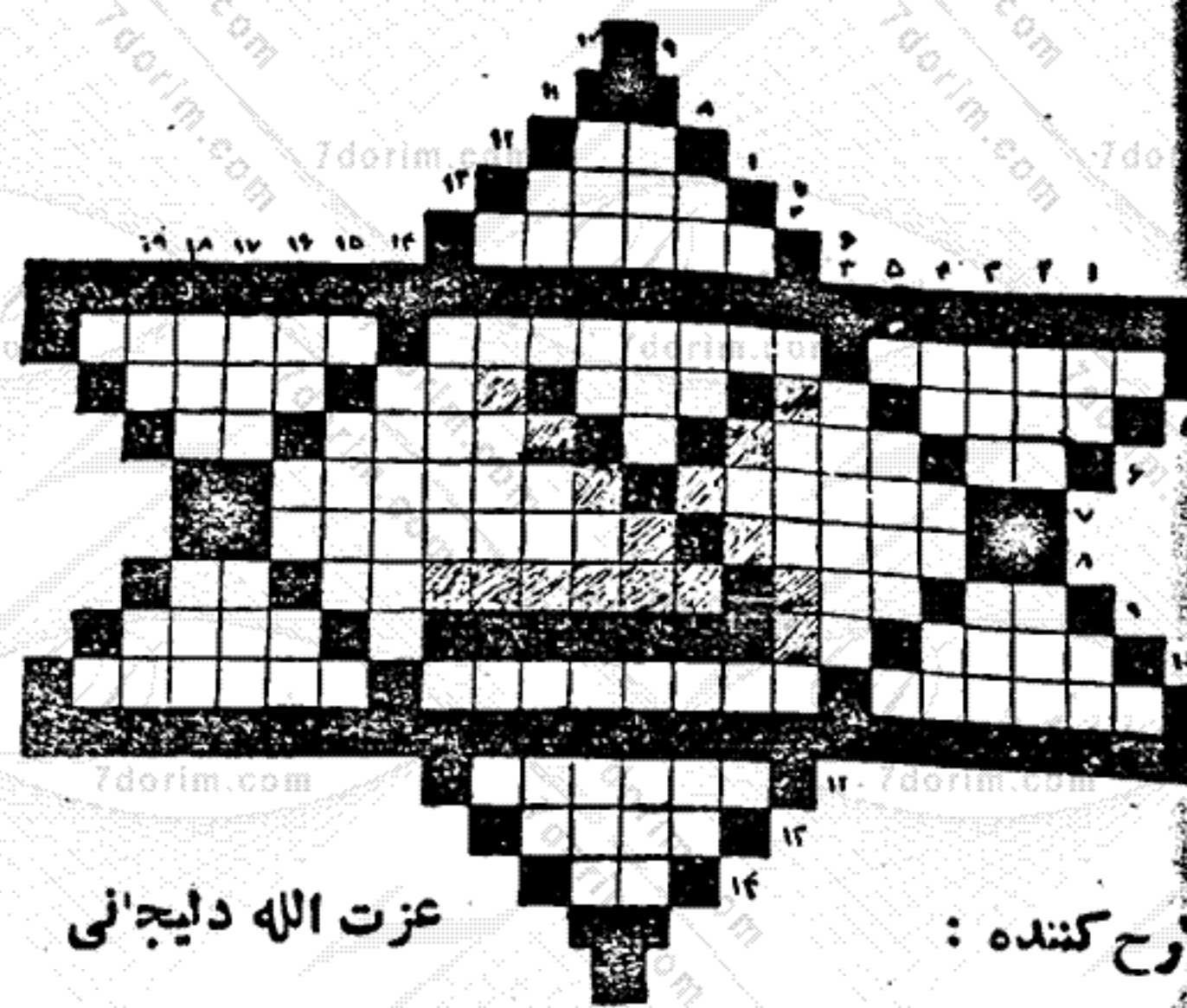
فرد مارشال الکساندر از تیب
 یهودی دیدن کرد

فرد مارشال الکساندر فرمانده کل نیروهای متفقین در مدیترانه اخیراً از تیب یهودی در (تارویو) در نزدیکی (استریا) دیدن کرد .

اظهار تلافی از مرگ « کولووم »
 بناسبت در گذشت الیاهو گولومب آقای پرفسور وایزمن تلگرافاً و آقای بن گورین بوسیله نامه ای که بعنوان آقای شرتوک رئیس قسمت امور خارجه سوختوت هیوودیت فرستاده اند مراتب تأثر و تاسف خود را از این ضایعه اسفناک اراز داشته و بابشان تسلیت گفته اند .

از درگذشت مرحوم یعزقل نظریان بسیار متأسفیم و بدین وسیله ببازماندگان آن شادروان مخصوصاً برادران نظریان و فامیل بروخیم تسلیت میگویم .

کنند و چاره اندیشند ولی همان مردم جاهل و نادان نمیگذارند سپس گفتم آیا راه چاره هست ؟
 گفت البته هست اگر آن جهال ببندند . ولی پس از دیدن مناظر دیگر یکمرتبه برایت خواهم گفت .
 راه . ا پیش گرفتیم و برای تماشای پرده های دیگری عازم شدیم



روح کنده :

- عزت الله دلچانی
- ۱- انس
 - ۲- کلبم الله
 - ۳- یکی از نبی های بود
 - ۴- از آن خاکینه میسازند - کشوریت در اروپا - میوه است که نوع فلسطین آن معروف است - حکومت نشین استان
 - ۵- قصبه است در فارس - نوعی از کلاه است - والده
 - ۶- نیشود - کشته است - جان - زیاد نیست - ۷- عید باستان ایرانیان - کوهستانی - ۸- قابله - بزرگترین فیلسوف مصر حاضر - ۹- صنم - نه (بهری) - با اضافه کردن الف با آخرش مرض است مهلك - زهر - ۱۰- مشتاق - یکی از اسراف حضرت یعقوب - ۱۱- کسیکه از طرف پروردگار مبعوث میشود - یکی از پادشاهان ایران که یکی از دختران یهود را ملکه ایران نمود - ۱۲- یکی از شعرا بزرگ یهود - ۱۳- سنک باره - ۱۴- فلزی است .
 - عمودی - ۱- ز آب و گل پرور است آن که نهد دهقان - خون دل شیرین است آن ... که دهد رزین - ۲- از نانه آه و مگیرند - ۳- ستان - ۳- محبت - دسته - ۴- رفوزه - مرطوب - یکی از اجزاء صورت - ۵- نیستی - ۶- کسی که در مسابقه رتبه اول را حازمیشود - ۷- آنچه بخود روا نینداری بدیگران نیز مدار - ۸- اول شخص جمع - معشوقه بلبل - یکی از اعداد - ۹- در رک جاریست - گنگ - درد - ۱۰- تومی توپ - راز - ۱۱- گفت چشم تنک دنیا دار را - یا قناعت پر کند ... خاک کور - قصبه است در حوالی تهران - در تابستان مردم بآن احتیاج زیادی دارند - ۱۲- فلزی است - ۱۳- زشتی - ۱۴- یکی از شیمی دانهای بزرگ فرانسه - ۱۵- لغت قدیم ستوان - ۱۶- پایتخت ایتالیا - رودی است در فرانسه - دست (بهری) - ۱۷- درخت انگور - جدا - ۱۸- گام - سوم درهم ریخته - ۱۹- مخفف اگر - هنر
- به دو نفر از اشخاصیکه این جدول را صحیح حل نمایند بعکم قرعه ۴ قسمت از این کتاب برای آنها فرستاده خواهد شد . جواب تا ۱۵ شهریور قبول است

جوابهای خصوصی

دانشمند معترم آقای دکتر خوش لسان - از دریافت مقاله پر معنی جناب عالی تحت عنوان « راه سعادت » که نمونه ای از نبوغ فکری آن فاضل ارجمند بوده بسیار سپاسگذاریم چون مطالب آن بسیار عریق و کلمات و جملاتش بسیار مترادف بود که درک معنی آن آسانی برای همه کس میسر نیست . لذا از درج آن خودداری و تمنا میکنیم از این قبیل مقالات باقلم و بیان ساده تری که مناسب فهم عامه باشد ارسال فرمائید و کارکنان این کتاب را همیشه سپاسگذار فرمائید .
 آقای صیون کرمانی زاده - کرمانشاه : از ابراز احساسات گرم شما و علاقه مندی شما نسبت به امور ملی بسیار متشکریم سرودهای ملی که سروده اید نمونه ای از ذوق سرشار شما و مایه خوشوقتی ماست ولی چون دارای نواقص ادبی است و بامیچ يك از مطالب صفحات این کتاب تطبیق نمیکند لذا از چاپ آن خود داری شد . امیدواریم مایوس نشده و بامام مکاتبه نمائید که بعدها الوجود شما تکمیل بیشتری باین کتاب بشود .

آنگهی

عده ای که به معرفت لامار رشک میسرند بمنظور اخاذی به ما مراجعه میکنند و از ما پول میخواستند چون ما بهیچیک از این افراد اخاذ دیناری نمیدهیم باین جهت بر ضد لامار انتشارات نادرستی میدهند . تمام مردم تهران و شهرستانها که پیوسته لامار مینوشند میدانند این افتراء ها چقدر بی اساس است .
 لامار را عده ای از پزشک های داخلی و خارجی تجزیه کرده و پس از اطمینان باین که آب پرتقال خالص و طبیعی است از برای بیماران مخصوصاً بچه ها توصیه میکنند